

گوهر بخشعلیوا

هویت ملی نظامی گنجوی

باکو-علم-۲۰۲۲

این کتاب توسط تصمیم شورای علمی انستیتوی شرق شناسی به نام ضیا
بنیاد اف در آکادمی ملی علوم آذربایجان منتشر می گردد

سر دبیر علمی: دکتر مسیح آقا محمدی

گوهر بخشعلیوا. هویت ملی نظامی گنجوی. باکو: "علم"، ۲۰۲۲، ۷۰ ص.

ISBN 978-9952-556-48-3

© Govhar Bakhshaliyeva, 2022

فرمان رئیس جمهوری آذربایجان در مورد اعلام سال ۲۰۲۱ «سال نظامی گنجوی» در جمهوری آذربایجان

نظامی گنجوی، نماینده برجسته ادبیات جهان، شاعر و متفکر زبردست آذربایجانی، یکی از شخصیت‌های بی‌نظیری است که صفحه جدیدی در تاریخ اندیشه هنری بشر گشود. میراث درخشان استاد بزرگ که به بخشی جدایی ناپذیر از معنویت مردم ما تبدیل شده است، برای قرن‌ها جایگاه شایسته‌ای را در گنجینه ارزش‌های فرهنگی منحصر به فرد به خود اختصاص داده است.

نظامی گنجوی در طول زندگی خود در شهر گنجه آذربایجان باستانی که یکی از مراکز مهم فرهنگی آن زمان بود زندگی و کار کرد، در اینجا بود که مرواریدهای دلنشینی از هنر کلامی خلق کرد که هم تاریخ فلسفی و اجتماعی و هنری را و هم اندیشه زیباشناختی خاورمیانه و نزدیک را غنا بخشید. «خمسه» نظامی گنجوی که شهرت فراوانی کسب کرد، در راس اندیشه شعری و فلسفی جهان مقام والایی را به خود اختصاص داده است. این شاعر اندیشمند پایه و اساس یک مکتب ادبی بزرگ را که متشکل از پیروان بسیار او بود، بنیان گذاشت. آثار نظامی که زینت بخش کتابخانه‌ها و موزه‌های معروف است، انگیزه‌ای برای توسعه هنر مینیاتورهای شرقی ایجاد کرد.

نظامی گنجوی همواره مورد توجه شرق شناسان جهان قرار گرفته است. در کشور ما در زمینه مطالعه و شناساندن آثار نظامی کارهای زیادی انجام شده است، متنی علمی-انتقادی از آثار وی تهیه شده است که در نظامی شناسی بسیار مورد توجه قرار گرفته است، کتابهای او با طرح زیبا و در تعداد زیاد چاپ شده است. تصویری به یاد ماندنی از نظامی در ادبیات و هنر خلق شده است. در شهر گنجه آرامگاه نظامی گنجوی ساخته شد، مجسمه های شاعر متفکر در باکو، سن پترزبورگ و رم وجود دارد. انستیتوی ادبیات فرهنگستان ملی علوم آذربایجان و موزه ملی ادبیات آذربایجان به نام نظامی گنجوی است. مرکز نظامی گنجوی دانشگاه آکسفورد در انگلستان با موفقیت در حال فعالیت است.

سالگرد نظامی گنجوی همواره در کشور ما با شکوه برگزار می شده است. هشتصدمین سالگرد این شاعر فرهیخته چرخشی اساسی در مطالعه و ترویج میراث او ایجاد کرد. رهبر ملی حیدر علی اف که همواره از موضع تعهد ملی و میهن پرستی به میراث ادبی و فرهنگی کلاسیک آذربایجان می نگریست، توجه ویژه ای به میراث نظامی داشت. قطعنامه «در مورد اقداماتی برای بهبود بیشتر مطالعه، انتشار و ترویج میراث شاعر و متفکر بزرگ آذربایجان نظامی گنجوی» که در سال ۱۹۷۹ به ابتکار حیدر علی اف به تصویب رسید، چشم اندازهای جدیدی را برای مطالعه و ترویج و انتشار آثار نظامی گشود. برگزاری مراسم هشتصد و

چهلمین سالگرد استاد جاویدالاثر که در سال ۱۹۸۱ به ابتکار مستقیم و با مشارکت مقام عظیم الشان رهبر برگزار شد، رویدادی قابل توجه در حیات فرهنگی کشور شد. در سال ۲۰۱۱، هشتصد و هفتادمین سالگرد نظامی گنجوی با چندین مراسم سطح کشوری جشن گرفته شد.

سال ۲۰۲۱ هشتصد و هشتادمین سالگرد تولد شاعر و اندیشمند فرهیخته نظامی گنجوی است. مبنی بر بند ۳۲ اصل ۱۰۹ قانون اساسی جمهوری آذربایجان، با عنایت به اهمیت استثنایی خلاقیت سرشار استاد توانای کلام و اندیشه که پیوسته مردم را به سوی کمالات اخلاقی فرا می خواند و صفات والای اخلاقی را در آنان القا می کرد به عنوان یک دستاورد فرهنگ جهانی، تصمیم می گیرم:

۱. سال ۲۰۲۱ در جمهوری آذربایجان به عنوان «سال نظامی گنجوی» اعلام شود.
۲. هیأت وزیران جمهوری آذربایجان نسبت به تهیه و اجرای برنامه عملیاتی مربوط به «سال نظامی گنجوی» اقدام نماید.

الهام علی اف

رئیس جمهور جمهوری آذربایجان

شهر باکو، ۵ ژانویه ۲۰۲۱

هویت ملی نظامی گنجوی

نظامی شاعر فارس نیست، او در محیط آذربایجان زندگی و کار کرده است و اشعار او برای فارسها نامفهوم است.

سعید نفیسی^۱

در تاریخ ۲۰ آوریل ۲۰۱۵، همایشی در مورد شاعر و متفکر بزرگ آذربایجانی نظامی گنجوی در کتابخانه اسکندریه مصر برگزار شد. در این کنفرانس خانی المسیری فرماندار اسکندریه، دکتر اسماعیل سراگلدین مدیر کتابخانه، روسای جمهور سابق بلغارستان، رومانی، آلبانی، کلمبیا، اکمل الدین احسان اوغلو مدیرکل سابق سازمان همکاری اسلامی، شاهین عبدالله اف سفیر آذربایجان در مصر، دانشمندان مصری، نمایندگان اجتماعی و سیاسی، دانشجویان حضور داشتند. دکتر اسماعیل سراگلدین طی سخنانی در جلسه عمومی به شرکت کنندگان در کنفرانس در مورد میراث نظامی بزرگ و سهم وی در فرهنگ جهانی اطلاع داد. من نماینده جامعه علمی آذربایجان در این کنفرانس حضور داشتم. در گزارش خود به ارزش جهانی آثار نظامی، سهم او در ادبیات شرق و جهان پرداختم. من در طول سخنرانی خود بارها بر هویت ملی نظامی گنجوی به عنوان یک ترک آذربایجانی، گستره غیرقابل انکار خودآگاهی ترک در آثار او تاکید کردم. این شاعر سنت های شعر بومی خود را ادامه داد و

^۱ ر.ک.: Ю.Н.Март. Статьи и сообщения. Собр. Соч., т II, стр. 266.

در آثار خود زندگی اجتماعی سیاسی و فرهنگی آذربایجان قرون وسطی، مشکلات، رویدادها و شخصیت های محیط بومی خود را منعکس کرد.

پس از جلسه عمومی، مراسم اهدای مجسمه نیم تنه نظامی که توسط سفارت آذربایجان در مصر به کتابخانه اسکندریه اهدا شده بود، انجام شد. سپس یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار شد و پس از آن کنفرانس شامل سخنرانی و گفتگو با حضور دانشمندان تعدادی از دانشگاه های مصر بود.

همچنین کتاب «نظامی گنجوی شاعر کمال» استاد دانشگاه مصر عین الشمس، متخصص زبان و ادبیات فارسی، دکتر عبدالنعیم محمد حسنین، ارائه شد. عصر، محیط و شعر» (نظامی الگنجوی: شاعر الفاضل، عسره، بیئته و شعره).

گزارش های ارائه شده در این کنفرانس توسط دانشمندان، معلمان و دانش آموزان مصری جنبه های مختلف کار شاعر را پوشش می دهد. آنها عشق فراوان و علاقه عمیق را به کار نظامی منعکس کردند. تنها نکته ناراحت کننده این بود که همه سخنرانان نظامی را «شاعر پارسی» می دانستند و کار او را به «میراث فرهنگی پارسی» نسبت می دادند. البته بلافاصله دوباره صحبت کردیم و این موضوع را روشن کردیم.

تنها پس از ورودم به باکو توانستم با کتاب عبدالنعیم م. حسنین آشنا شوم. و این آشنایی، باید بگویم، تاسف خاصی را به برداشت اولیه من از روزهایی که در اسکندریه سپری کردم، اضافه کرد. کتاب عبارت از دو بخش، ده فصل و فهرست منابع است. نویسنده کتاب را به یاد پدرش تقدیم می کند. به عنوان خطی بر کتاب، بیت اول از « مخزن الاسرار » نظامی آورده شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکمی^۱

نویسنده در قسمت اول کتاب به شرح عصر نظامی، دولت سلجوقیان، سلجوقیان بزرگ، سلجوقیان عراق، سلجوقیان آسیای صغیر، حاکمان آذربایجان، اتابکان آذربایجان، امرای مراغه و و شیروان، عباسیان پرداخته است. فصل دوم کتاب تحت عنوان «محیط نظامی» محیط جغرافیایی که شاعر در آن زاده شده، زندگی سیاسی- اجتماعی و فرهنگی گنجه عصر شاعر را بیان می کند و همچنین اطلاعاتی درباره خانواده شاعر ارائه می دهد. در فصل بعدی نام، کنیه، تخلص شاعر، تاریخ تولد، زندگی، صفات اخلاقی، وفات و محل احتمالی قبر وی مورد تحلیل قرار می گیرد.

^۱ نظامی گنجوی. مخزن الاسرار. متن علمی و انتقادی به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علیزاده. باکو ۱۹۶۰، ص. ۱.

بخش دوم کتاب مستقیماً به ویژگی‌های ایدئولوژیک و موضوعی و هنری و زیبایی‌شناختی شعر نظامی اختصاص دارد. در اینجا نویسنده به بررسی دیدگاه‌های موجود در مورد هنر مثنوی به طور کلی، نسخه‌های خطی حفظ شده «خمسه» و محتوای آنها می‌پردازد. سپس اشعار مندرج در «خمسه» به تفصیل تحلیل می‌شود. در عین حال توجه ویژه‌ای به استفاده شاعر از منابع عربی در هنگام نوشتن «لیلی و مجنون» اشاره می‌کند، داستان را مفصلاً با نسخه عربی مورد مقایسه قرار می‌دهد. در خاتمه، دیوان شعر نظامی و مهارت هنری وی بررسی می‌شود.

پس از آشنایی با کتابشناسی این کتاب معلوم شد نویسنده از ۱۶۶ نوشته‌های علمی استفاده کرده از آنها ۸۶ تا به زبان فارسی، ۴۵ تا به زبان عربی، ۱۹ تا به زبان انگلیسی، ۲ تا به زبان آلمانی، ۳ به زبان فرانسوی و ۱ تا به زبان ایتالیایی است. از منابع علمی آذربایجانی استفاده نکرده است و به زبان ترکی فقط دو کتاب در فهرست منابع وجود داشت که آنها هم درباره تاریخ دولت سلجوقیان بود. در فهرست منابع ایده اصلی ۸ کتاب روسی و از جمله "نظامی شاعر بزرگ آذربایجان" ی.ا. برتلس که نظامی را شاعر آذربایجانی می‌داند توسط نویسنده کتاب فوق‌الذکر نادیده گرفته شد. نویسنده چون زبان و ادبیات فارسی را می‌دانست، از ادبیات علمی که به زبان فارسی نوشته شده بود، استفاده فراوانی کرد و کتابی بر اساس مفهوم پارسی‌بودن نظامی نوشت و آثار همه شاعران و نویسندگانی را که به فارسی نوشتند صرف نظر از

قومیت آنها در رده «میراث پارسی» («التراث الفارسی») طبقه‌بندی کرد.

با همه این اوصاف دکتر سراگلدین در مقدمه کتاب می نویسد: «یکی از برجسته ترین آنها (شاعران -گ.ب.) حکیم بزرگ (به معنای خردمند، متفکر) نظامی گنجوی است. او فرزند آذربایجان، یکی از بزرگترین دانشمندان زمان خود و یکی از برجسته ترین شاعران کل جهان اسلام است و شعر بزرگ او ارزش جهانی دارد.^۱ و سپس می افزاید: «نام او جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف گنجوی (معروف به حکیم نظامی گنجوی) از حماسه سرایان بزرگ پارسی است. وی در سال ۵۳۵ هجری قمری در گنجه به دنیا آمد. (۱۱۴۰). این شهر دومین شهر آذربایجان است که بیشتر عمر خود را در اینجا گذرانده است. مادرش کرد و پدرش اهل قم است.»^۲

سپس دکتر ا. سراگلدین از کار نظامی بسیار قدردانی می کند و تمام اشعار «خمسه» را به اختصار ارائه می دهد، بر جوهر عمیق معنوی، انسان گرایانه، صوفیانه و شناختی کار شاعر تأکید می کند و نتیجه می گیرد: «اینجا، در کتابخانه اسکندریه، ما نظامی گنجوی را یکی از بزرگترین شاعران مسلمان می دانیم که در جهان جای خود را گرفته است.»^۳

^۱ عبد النعیم محمد الحسین. نظامی الکنجوی شاعر الفضیلة: عصره، بیئته، شعره. القاهرة،

۲۰۱۵، ص. ۱۹.

^۲ همان، ص ۲۰.

^۳ همان، ص ۲۸.

من همه اینها را می نویسم نه برای اینکه میزان اهمیت کار انجام شده توسط همکاران مصری مان را کم رنگ کنم، بلکه نشان دهم که متخصصان مصری به هیچ وجه بین میراث فرهنگی فارسی و میراث فرهنگی فارسی زبان که ایجاد شده است، مرزی قائل نمی شوند. توسط بسیاری از همکاران محترم شرق شناس ما کاملاً تحت تأثیر علم ادب ایران هستند، دیگر مفاهیمی که در علم دنیا در این زمینه وجود دارد را در نظر نمی گیرند و در مورد آنها اظهار نظر نمی کنند. اگر از منطق آنها پیروی کنیم، باید نمونه های بسیاری از ادبیات ایجاد شده در قرون وسطی در سرزمینی وسیع از آسیای صغیر تا هند را به «میراث ایرانی» نسبت دهیم. در همان زمان، مولانا جلال الدین رومی (ترکیه)، نوایی (ازبکستان)، شوکت بخارایی (ازبکستان)، امیر خسرو دهلوی (هند)، حسن دهلوی (هند)، فانی کشمیری (هند) و بسیاری دیگر از این قبیل شاعران فارس خواهند بود. و چند اثر دیگر از دیگر اساتید برجسته سخن که به زبان فارسی می نویسند «میراث پارسی» محسوب می شود؟ طرفداران این مفهوم فراموش می کنند که تا قرن هفدهم بسیاری از مردمان شرق به زبان فارسی شعر می نوشتند، زیرا زبان فارسی از دیرباز زبان شعر عالی محسوب می شد. معلوم است که شعر فارسی در قرن شانزدهم و هفدهم و در زمان امپراتوری مغول در هند رونق داشت. حتی زمانی که شاه اسماعیل خطایی نمونه های زیبایی از شعر را به زبان

آذربایجانی می نوشت، سلطان سلیم یاوز عثمانی به فارسی شعر می سرود.

از دیدگاه علمی، ی.ا. برتلس، به نظر ما، بسیار شایسته به موضوع نزدیک می شود. «تاکنون ادبیات فارسی معمولاً به هر آنچه به زبان فارسی نوشته می شود، بدون توجه به اینکه این ادبیات در کجا و در چه شرایطی رشد کرده است، تلقی می شود. سپس کل این مجموعه بزرگ به ایران نسبت داده می شود، یعنی واحد سیاسی که در حال حاضر این نام را دارد. با این حال، چنین انتقال مفهوم قرن بیستم به هزار سال پیش، البته، از نظر روش شناختی به شدت اشتباه است. ادبیات فارسی نه تنها در قلمرو ایران مدرن توسعه یافت، بلکه ده ها قوم مختلف در ایجاد آن مشارکت داشتند. این دانشمند می نویسد: اگر بخواهیم ادبیات فارسی را فقط به نام نویسندگانی که در خاک ایران امروزی زندگی می کردند محدود کنیم، این همه فراوانی با ما فرو می ریزد و تقریباً چیزی در دست ما باقی نمی ماند^۱. و در ادامه می افزاید همان گونه که نمی توان دولت سلجوقی را تنها به این دلیل که شامل قلمرو ایران امروزی بود ایران دانست، پیوند دادن ادبیات فارسی با این قلمرو و تبدیل آن به ادبیات ایران اشتباه است^۲.

^۱ Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество. Баку, 1940, стр. 17.

^۲ همان، ص ۱۷

پس چه باید کرد، چگونه عدالت تاریخی را احیا کرد، چگونه از میراث شعری شاعر بزرگ آذربایجانی نظامی گنجوی و کل کهکشان شاعران فاخر دیگری که به زبان فارسی مطابق با سنت شعری زمان خود می نوشتند، محافظت کرد؟ چگونه می توان میراث فرهنگی چند صد ساله ما و بسیاری از مردمان دیگر را از پارسی شدن نجات داد؟

به نظر ما، دستاوردهای نظامی شناسی آذربایجان، روسیه و شوروی باید به طور گسترده پوشش داده شود. تحقیقات باید به زبان های پیشرو جهان، در درجه اول انگلیسی، ترجمه و به طور گسترده منتشر شود. به این معنا، اقدام رئیس شعبه باکو دانشگاه دولتی مسکو به نام م. لومونوسوف، عضو حقیقی آکادمی ملی علوم آذربایجان نرگیز پاشایوا - مرکز علمی مطالعات آذربایجان و قفقاز در دانشگاه معروف آکسفورد به نام نظامی گنجوی و ترجمه ی انگلیسی آثار شرق شناس مشهور شوروی ی.ا. برتلس "نظامی شاعر بزرگ آذربایجان" ابتکاری مهم و فوق العاده ضروری است. من معتقدم که کار در این راستا باید توسط دانشمندان ما ادامه یابد. امروزه این وظیفه ی شماره یک نظام شناسی ملی است.

تصاحب میراث فرهنگی آذربایجان توسط ملل همسایه. قوم زایی مردم آذربایجان

سال‌ها با بازدید از معروف‌ترین موزه‌های جهان، به‌ویژه موزه‌های اروپایی (موزه ویکتوریا و آلبرت، موزه بریتانیا، لوور و غیره)، با تاسف متذکر شدم که آثار هنری منحصر به فرد استادان بزرگ (آذربایجانی بودنشان از نام محل زندگی‌شان به خوبی معلوم می‌شود) از شهرهای تاریخی آذربایجان برده شده و به‌عنوان آثار هنری ایرانی در معرض نمایش گذاشته می‌شود. کافی است از تالارهای موزه ویکتوریا و آلبرت دیدن کنید که در آن انواع باشکوه قالی بافی شرقی با تابلوی «فرش ایرانی، ساخت تبریز» به نمایش گذاشته شده است. یا در زیبایی و ظرافت شگفت‌انگیز کاخ گلستان - کاخ ترکان قاجار در تهران کنونی - موزه گلستان را به یاد بیاوریم.

این کاخ در زمان شاه طهماسب اول صفوی ساخته شد، اما در طول قرون هجدهم تا نوزدهم به‌طور مداوم بازسازی شد. کمک بزرگی در بهسازی مجموعه کاخ توسط آقا محمد خان قاجار که تهران را پایتخت خود کرد و ناصرالدین شاه قاجار که در اینجا در ایوان کاخ اصلی دفن شد، داشتند. همگی ترک‌آذری هستند. این کاخ ترکیبی باشکوه از معماری شرقی و غربی است. در

نمایشگاه این موزه که بخشی جدایی ناپذیر از میراث فرهنگی مردم آذربایجان است، سرامیک های دوران مختلف، آثاری بر روی سنگ و فلز، پارچه و مليله، آلات موسیقی، اسلحه، لباس و غیره به نمایش گذاشته شده است. به عنوان نمایشگاهی از فرهنگ پارسی نشان داده شده است، هر چند که بی شک توسط مردم ماهر آذربایجان خلق شده اند. صدها نمونه از این دست وجود دارد.

تصاحب میراث فرهنگی ملت آذربایجان متأسفانه امروز هم ادامه دارد. خلاقیت شاعرانه دهها استاد کلام هنری آذربایجانی به بهانه اینکه به فارسی سروده‌اند توسط ملت‌های همسایه تصاحب می‌شود. در عین حال، بر این اساس استوار است که گویا در قرن دوازدهم، آذربایجان، از جمله گنجه باستان، عمدتاً توسط جمعیت ایرانی زبان سکونت داشته و آذربایجانی‌ها به‌عنوان قومی بسیار دیرتر شکل گرفته‌اند. از این رو، آثار استادانی چون نظامی، مهستی گنجوی، افضل الدین خاقانی شیروانی، بدر شیروانی، قطران تبریزی، ابوالعلاء گنجوی، مجیرالدین بیلقانی و دیگران جزء میراث فرهنگی پارسی است. چنین اظهاراتی در برابر هیچ بررسی جدی نیست.

عذرخواهان ایرانی الاصل نظامی استدلال می‌کنند که در قرن دوازدهم قلمرو آذربایجان کنونی از جمله گنجه محل سکونت اقوام ایرانی زبان بود. معلوم است که علم تاریخی بر اساس منابع مکتوب متعدد ثابت کرده است که استقرار این مکان‌ها توسط قبایل

ترک زبان که از شمال و جنوب به اینجا نفوذ کرده اند، حتی قبل از دوران ما آغاز شده و به تدریج افزایش یافته است که کاوش های باستان شناسی نیز این موضوع را تأیید می کند. نقل قولی از کتاب «کتاب التیجان فی ملوک حمیر» ابن هشام مشهور است. وقتی خلیفه معاویه از عبید بن شریع، کارشناس تاریخ باستان، درباره آذربایجان می پرسد، پاسخ می دهد: این سرزمین ترکان است. پس از جمع شدن در آنجا، آنها با یکدیگر مخلوط شدند و بهبود یافتند.^۱ ترکان سلجوقی که از قرن یازدهم به اینجا نفوذ کردند، در اینجا با قبایل مختلف ترک زبان (قبچاق، خزر، هون، بلغار، آوار و غیره) که قرن ها در این قلمرو ساکن بودند، ادغام شدند. ترکیب قومی آلبانی باستان در میان کسانی که قبایل آن را سکنی گزیدند از جمله ترکها، قارقارها و دیگران نامتجانس بود، بدین ترتیب در قرن دوازدهم روند تشکیل ترکهای آذربایجان تکمیل شد.

آکادمیسین ض. بنیاداف در مونوگرافی "آذربایجان در قرون هفتم-نهم" می نویسد: «بپذیریم که ترک شدن (آذربایجان - گ.ب.) در قرون یازدهم و دوازدهم اتفاق افتاده است، اشتباه است، همانطور که برخی از محققان انجام می دهند. این نیز نادرست است که ترک ها را عنصری بیگانه و بیگانه در خاک آذربایجان

^۱ Azərbaycan Milli Ensiklopediyası. Bakı, 2007, səh. 101.

بدانیم، زیرا در این صورت تشکیلات عشایری و فشرده محلی ترک نادیده گرفته می شود.

تنها از طریق ادغام ترک های بومی با تازه واردان اوغوز از جنوب و قباچاق ها از شمال - پس از همسان سازی دومی، یک روند فزاینده شتاب و پایان در قرن یازدهم و دوازدهم آغاز شد. روند ترکی شدن که منجر به تشکیل یک آذربایجان ترک زبان خاص در خاک آذربایجان و اران شد که ملت آذربایجان مدرن را تشکیل می داد^۱.

علاوه بر این، آکادمیسین با تکیه بر پیام های منابع قرون وسطایی، حقایق انکارناپذیری را که صحت گفته های خود را اثبات می کند، ذکر می کند. از منابع بیزانسی مشخص شده است که در سال ۵۷۶ هون ها - سابیرها در منطقه گنجه (در منبع - ساکاشن) اسکان داده شدند. پیش از این، در قرن پنجم هون ها در مغان ساکن شدند که در منابع ترک خوانده می شوند. به گفته ظم بنیاد اف یکی دیگر از دلایل استقرار ترکان در خاک آذربایجان این است که در زمان حمله خزرها به اینجا آمده اند که در میان آنها قبایل ترک زبان اکثریت داشتند. بدین ترتیب، مورخ برجسته می نویسد، ترک نشینی در این جغرافیا مدت ها قبل از ورود اعراب آغاز شده است. در جریان فتح آذربایجان و اران، اعراب در اینجا با قبایل ترک درگیر شدند، چنانکه منابع عربی و

^۱ Буниятов З.М. Азербайджан в VII-IX вв. – Избранные сочинения в 88 трех томах, т. I, Баку, 1999, стр. 203-207

فارسی قرون وسطی کاملاً گواه آن است، مانند: ابن هشام در کتاب الطجان یا مجمل التواریخ و القصص". و در اثر سه جلدی «کتاب الفتوح» مورخ عرب قرون وسطی ابن اصم الکوفی اطلاعاتی به دست آمده است که زبان ترکی در دره ارس در منطقه بیلقان و وارسان رواج داشته است.^۱ اطلاعات زیادی از ماهیت مشابه نیز در مقاله ج.م. محمد اف یافت می شود.^۲

پس از فتح آذربایجان توسط اعراب، مدارسی (مدرسه) در مساجد شهرهای بزرگ افتتاح شد که تدریس در آنها به زبان عربی انجام می شد. ض. بنیاداف می نویسد: "ظهور اعراب در آذربایجان و استعمار آن در ابتدا این روند را به تأخیر انداخت (فرآیند ترک‌سازی - گ.ب.) اما همسان‌سازی اعراب با ترک‌ها که به زودی آغاز شد، آن را تسریع کرد و پس از گذشت چند صد سال بسیار به گستره وسیعی دست یافت»^۳. جا دارد در اینجا نقل قول مورخ برجسته ز. بوتوقان را یادآوری کنیم که در مقاله «آذربایجان» در دایره المعارف اسلامی نوشته است: «ازرق در اثر خود متذکر می شود که در سال ۱۱۷۰ گنجه یک شهر بزرگ ترک نشین محسوب می شد»^۴. اضافه کنیم که ابن ازرق (گ) الفارقی (۱۱۱۷ - نه زودتر از ۱۱۸۱) مورخ مشهور قرون

^۱ Буниятов З.М. Указ. сочинение, стр. 203-205.

^۲ Мамедов Дж.М. О некоторых спорных вопросах относительно Родины и национальности Низами Гянджеви. - Вестник СПбГУ. Сер. 13, 2010, вып 1, стр. 106-116

^۳ Буниятов З.М. Указ. сочинение, стр. 206.

^۴ Rəsulzadə M.Ə. Azərbaycan şairi Nizami. Bakı, 1991, səh. 23.

وسطی، از معاصران قدیمی نظامی، نویسنده اثری است که حاوی اطلاعات منحصر به فردی از روابط سلجوقیان با خلفای عباسی است.

حماسه "کتاب دده قورقود" گواه سکونت ترکان در آذربایجان در قرن دوازدهم است که قهرمانان آن در جغرافیای آذربایجان تاریخی زندگی می کنند و به زبان آذربایجانی صحبت می کنند.

از قرن دهم میلادی تدریس در آذربایجان و اران به زبان فارسی آغاز شد. از همان زمان در میان اقشار اصیل جامعه، همراه با زبان عربی، زبان درباری فارسی نو (دری) رواج یافت، به سرودن شعر و تألیف آثار علمی به فارسی پرداختند. این دلیلی بود که زبان رایج ترکی کمی دیرتر به سنت شعری نوشتاری دست یافت. گرچه ظاهراً استثنائاتی نیز وجود داشته است که گواه آن تقاضای مصرانه شیروانشاه اخستان اول مبنی بر نوشتن «لیلی و مجنون» به فارسی یا عربی و نه به زبان ترکی است. در اینجا، به نظر ما، مناسب است که بدانیم سنت ترکی نویسی بر اساس گرافیک عربی تا آن زمان از دیرباز وجود داشته است. کافی است «دیوان لغات ترکی» - فرهنگ لغت - کتاب مرجع زبانهای مختلف ترکی، نوعی دایره المعارف ترکی زبان شناس و فرهنگ نویس مشهور محمود کاشغری و «قوتادغو بیلگ» - مثنوی معروف

ترکی برجسته ی یوسف بالاساغونی شاعر و متفکر قرن یازدهم را به یاد بیاوریم .

موضوع ترکی شدن آذربایجان در آثار تاریخدان و قوم شناس دانشمند غ. غیبولایف نیز مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده به یک نتیجه کاملاً منطقی می رسد: "در قرون ۱۱-۱۲، سلجوقیان اوغوز کسی را نه در جنوب و نه در شمال ترک نمی کردند. زبان آذربایجانی (ترکی) بیگانه نیست، به قرون گذشته برمی گردد. سلجوقی-اوغوزها در هر دو بخش آذربایجان بر تعداد ترک ها افزودند و ویژگی های ذاتی گروه اوغوزی زبان های ترکی در زبان آذربایجانی را چند برابر کردند"^۱

^۱ Qeybullayev Q. Azərbaycan türklərinin təşəkkülü tarixindən. Bakı, 1994, səh.30-31.

تاریخ بررسی آثار نظامی

خاورشناس برجسته روسی شوروی، ی. ا. برتلس، با آگاهی کامل از همه عظمت، تطبیق پذیری و ماندگاری آثار نظامی گنجوی، در مقدمه کتاب «نظامی شاعر بزرگ آذربایجانی عصر-زندگی-خلاقیت» که در آستانه هشتادمین سالگرد شاعر و متفکر بزرگ توسط آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شعبه آذربایجان در سال ۱۹۴۰ منتشر شد نوشته است: «کاملاً آگاهم که توانستم تنها بخش کوچکی را به دست بیاورم. از تمام ثروتی که در اشعار نظامی نهفته است. پوشش کامل هنوز در راه است و نه توسط یک نفر، بلکه توسط تیم بزرگی از دانشمندان انجام خواهد شد. بیش از یک پژوهشگرده کشورمان در این کار مشارکت خواهند داشت.»^۱ ۸۰ سال از آن زمان می گذرد و اکنون جامعه علمی هشتصد و هشتادمین سالگرد این شاعر بزرگ را جشن می گیرد. در طول این سال ها، کارهای زیادی در مطالعات سطح پایین داخلی و جهانی انجام شده است، ده ها مطالعه در مورد آثار شاعر انجام شده است، تک نگاری های متعددی در مورد جنبه های مختلف کار شاعر و معاصران او منتشر شده است. متون

^۱ Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество, стр. 7.

علمی-انتقادی تمامی اشعار مندرج در «خمسه»، ترجمه شعری آنها به آذربایجانی و روسی و... منتشر شده است.

با این وجود، علاقه به کار و شخصیت یکی از بزرگترین خالقان میراث فرهنگی تمام بشریت خشک نمی شود، بلکه برعکس، در حال افزایش است و شتاب جدیدی به دست می آورد. نظامی گنجوی خالق قانون منظوم حماسه سرای خاور نزدیک، با آثارش چنان به اوج رسید که آثار او را بزرگترین گنجینه نبوغ بشری می دانند. "خمسه" که منعکس کننده هماهنگ نظام اندیشه نظامی، درخشان ترین فردیت او، اومانسیم استادانه متمرکز، وسعت و عمق دانش، سادگی و وضوح تفکر هنری شاعر است. به همین دلیل است که محققان نظامی را «یکی از جذابترین چهره‌های رنسانس غربی و شرقی» می‌دانند.^۱

اطلاعاتی درباره نظامی گنجوی در گلچین های شرقی (تذکره) از قرن سیزدهم یافت می شود. اولین آنها گلچین "الباب" توسط فیلولوژیست بخارایی، مورخ محمد عوفی (قرن سیزدهم) است. دوم، گلچین دولت شاه سمرقندی (قرن پانزدهم) است که تاریخ شعر فارسی را از قرن یازدهم تا پانزدهم به دست می دهد. گلچین سام میرزا پسر شاه اسماعیل اول «تذکره سامی» تاریخ شعر فارسی تا قرن شانزدهم را در بر می گیرد.

^۱ Шагинян М.С. Этюды о Низами. 1947-1956. Баку, 1981, стр. 24.

در اروپا برای اولین بار هامر شرق شناس آلمانی به این منابع روی آورد.^۱ دانشمند انگلیسی ن. بلاند قبلاً بیش از چهل زندگینامه مشابه از شاعران را می دانست. با این حال، هنگام مطالعه آنها معلوم شد که منبع اولیه همه آنها گلچین محمد عوفی است که قبلاً برای علم شناخته شده است. سپس گلچین دولت شاه و دیگران در پی می آید. از اینجا برمی آید که کهن ترین منبع مربوط به عصر نظامی، گلچین عوفی است.^۲ دولت شاه که بر اساس اثر عوفی ساخته شده بود گنجه را از ادگاه شاعر می خواند. م. شاهینیان می نویسد: «در آغاز قرن نوزدهم، حتی یک دانشمند این گفته را رد نکرد و هامر با او موافق است. اما بعدها تلاش شد تا مبدأ نظامی را با شهر ایرانی قم پیوند دهند.^۳» طرفداران این روایت در تأیید گفته های خود، سطرهایی از اسکندرنامه را ذکر کرده اند که گویا شاعر از منشأ خود از مناطق کوهستانی قم صحبت می کند. علم ادبی به راحتی چنین اظهاراتی را رد می کند و ثابت می کند که این خطوط در نسخه های خطی قبلی با نام اسکندر که علم شناخته شده نیست، نیست، بنابراین آنها به طور واضح به عنوان درون یابی بعدی شناخته شدند. ی. ا. برتلس در همین باره می نویسد: «در بهترین و قدیمی ترین نسخه خطی نظامی که نزد من است، متعلق به کتابخانه ملی پاریس و به تاریخ ۷۶۳ ه. (۱۳۶۰

۱ Hammer. Geschichte der schönen Redekünste Persiens, Wien, 1818. ر.ک. Шагинян М.С. Указ. сочинение, 11

۲ همان، ص ۱۲

۳ همان، ص ۱۸-۱۷

شمسی)، این خط موجود نیست.^۱ دانشمندان این سوال را مطرح می‌کند که چگونه بر اساس درونیابی های بعدی در اسکندرنامه، برخی از محققین کوشیدند منشأ نظامی را به شهر ایرانی قم نسبت دهند؟ این تلاش با قاطعیت توسط خاورشناس چ. ریور رد شد و بسیار عاقلانه ثابت شد که بیتی که طرفداران پارسی اصالت شاعر بر آن تکیه می‌کنند، بعدها اضافه شده است.

م. شاهینیان، در ادامه، کاملاً منطقی دلیل چنین الحاق‌هایی را توضیح می‌دهد: «کوچک‌ترین شکی وجود ندارد که مبارزه‌ای بعد از نظامی به دنبال داشت و عملاً می‌توانست در افزودن متون، و در تغییر جغرافیایی و تاریخ های زمانی، و در میان یابی های درج های بعدی، - و تعدادی از تقلب های دیگر می باشد. ^۲ نویسنده در مورد سرنوشت عجیب نسخه های خطی نظامی می نویسد که از مبارزه شدید برای او حکایت می کند که کاتبان نسخه ها افرادی زنده بودند با ایدئولوژی خاص خود و نگرش خود به مطالبی که نسخه برداری می کردند.

و سپس سخنان ملک الشعرا بهار شاعر مشهور فارسی را که یک بار به ایران‌شناس شوروی ی.ن. مار گفته بود به خاطر می آورد. ن. مار در مورد عدم وجود نسخه های خطی خوب نوشته شده خمسه که از همان ابتدا با خطا رونویسی شده اند.

^۱ Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество, стр. 26.

^۲ Шагинян М.С. Указ. сочинение, стр.21.

نقش مشخصی از محققان و ناشران اروپایی که قطعاتی از آثار نظامی را از قرن نوزدهم ترجمه و چاپ کردند، مشخص است. نویسنده و متفکر برجسته آلمانی در «دیوان غربی- شرقی» خود ای. و. گوته جایگاه قابل توجهی را به نظامی اختصاص داد. گوته پس از آشنایی دقیق با آثار شاعر بزرگ آذربایجان، تأثیر قابل توجه او را تجربه کرد که شاهینیان در مورد آن می نویسد: «بی اغراق می توان گفت که روح نظامی بر تمام «دیوان» گوته تقریباً در همه چیز می وزد و تعیین می کند.»^۱

ای. و. دبلویو گوته می نویسد: «روحي ظريف و بسيار با استعداد که - از زمانی که فردوسی تمام افسانه های قهرمانانه را خسته کرده است - صمیمانه ترین تعاملات عمیق ترین عشق (die lieblichsten Wechselwirkungen Innigster Liebe) را به عنوان ماده شعر خود انتخاب کرده است.» گوته فصل خود را با عنوان «نظامی» آغاز می کند. «مجنون و لیلی و خسرو و شیرین را^۲ بیرون می آورد - زوج های عاشق، از راه پیش بینی، سرنوشت، فطرت، تمایل، شور و شوق برای یکدیگر مقدر شده اند. با هوی و هوس، لجاجت، شانس، اجبار و خشونت از هم جدا شدند: به طور معجزه آسایی دوباره گرد هم آمدند و در پایان دوباره، به هر طریقی، از هم پاشیدند و از هم جدا شدند. از درون این محتوا و پردازش آن، تلاشی ایده آل (Ideale Sehnsucht) برمی

^۱ Шагинян М.С. Указ. сочинение, стр. 46.

^۲ همان، ص ۴۷

خیزد که هیچ جا رضایتی نمی یابد. جذابیت اشعار زیاد، تنوع بی نهایت، همچنین در شعرهای دیگر او که مستقیماً به وظیفه اخلاقی اختصاص دارد، همان وضوح شیرین (مهربان به دل) (liebenswürdige Klarheit) نفس می کشد.^۱

معروف است که گوته از کتاب هامر با کار نظامی آشنا شد. گوته در مقاله ای به نام "عمومی" و تمثیلی از "مخزن الاسرار" مرتبط با عیسی بازتاب یافت. نویسنده خاطرنشان می کند که "نظامی از لاشه سگ در حال تجزیه می تواند چنین مشاهدات اخلاقی را بیرون بکشد که مردم را حیرت زده و آموزش می دهد."^۲ با جمع بندی مطالب فوق، نویسنده به بوم های عظیم خلق شده توسط نظامی و فراوانی مطالب موجود در آنها اشاره می کند، که مطالعه آنها نه تنها باید فیلولوژیست ها، بلکه مردم شناسان، مورخان، قرون وسطایی ها و نمایندگان سایر تخصص ها را نیز شامل شود.

گوته ضمن بیان نگرش خود به زندگی شاعر و محل دفن گنجه، آثار نظامی را بسیار عمیق و مشخص توصیف کرد. گوته با تأکید بر این واقعیت خاص زندگینامه نظامی، توجیه می کند که زندگی شاعر در گنجه، در جغرافیای خاصی که اروپا و آسیا تلاقی می کنند، بود که به شکل گیری استقلال معنوی شاعر بزرگ، گسترده دیدگاه های او و کسب گسترده ترین دانش توسط او را

^۱ Шагинян М.С. Указ. сочинение, стр. 47.

^۲ همان، ص ۴۸

اشاره می کند. این امر همچنین به شکل گیری تساهل مذهبی و تساهل غیرمعمول آن زمان در شاعر کمک کرد. شاهدی بر این امر می توان با مقایسه آثار نظامی و دیگر شاعران پارسی قرون وسطی یافت. با وجود همه جذابیت‌های بیرونی آثار دومی، آنها فقط با واقعیت‌های زندگی شرقی و مقایسه‌های ذاتی شعر شرقی محدود می‌شوند، آنها از واقعیت‌های اطراف شرق الهام می‌گیرند. در حالی که در آثار نظامی در کنار واقعیت‌های شرقی، از واقعیت‌های غربی نیز استفاده می‌شود، دستاوردهای هر دو فرهنگ به شکل پیچیده‌ای در هم تنیده و ترکیب شده‌اند، شخصیت‌هایی که هم غرب و هم شرق را نشان می‌دهند، بسیار هماهنگ زندگی می‌کنند و با هم تعامل دارند. از مجموع آنچه گفته شد، برمی‌آید که گوته از آن دسته دانشمندان و پژوهشگرانی است که آثار نظامی بزرگ را به درستی تفسیر کرده است.

در سال ۱۸۷۱، اولین تک نگاری ویلهلم باخر، محقق مجارستانی، درباره نظامی به زبان آلمانی در لایپزیگ منتشر شد.^۱ م. شاهینیان می نویسد که کتاب باخر اولین مطالعه اصیل در مورد میراث خطی شاعر بود و نظام‌شناسی بعد از آن اساساً فضای جدیدی یافت.^۲ در کار باخر بود که اطلاعات زیادی در مورد نظامی با ماهیت شخصی کشف شد: اقوام، همسر آفاق، پسر،

^۱ Dr. Wilhelm Bacher. Nizamis Leben und Werke und der zweire Theil des Nizamischen Alekanderbushes, Leipzig, 1871.

^۲ Шагинян М.С. Указ. сочинение, стр. 52.

تاریخ تولد و وفات و غیره. این کتاب همچنین تصویر ایدئولوژیک و اجتماعی نظامی را بازآفرینی می‌کند و شالوده‌ای را برای یک مطالعه تاریخی قابل اعتماد درباره شخصیت نظامی و آثار او ایجاد می‌کند. پس از آن آثار چ. ریو، خ. ریتر، ی. ریپکا و دیگران دنبال می‌شود.

سهم بزرگی در مطالعه آثار نظامی توسط شرق شناس فرانسوی فرانسوا برنارد شارموا انجام شد که سالها در دانشگاه سن پترزبورگ به عنوان رئیس گروه زبان فارسی کار می‌کرد. این او بود که برای اولین بار پایه‌های نظام‌شناسی در روسیه را به عنوان یک پدیده فرهنگی ماورای قفقاز بنا نهاد. "...وی نخستین کسی بود که به ویژگی‌های واژگان نظامی اشاره کرد و تفاوت‌هایی بین زبانش و زبان کلاسیک‌های فارسی را به ما نشان داد و راه را برای پیشرفت صحیح و انتقادی شاعر بزرگ آذربایجانی هموار کرد و در این امر نه تنها چندین دهه از علم غرب و باخر جلوتر بود بلکه کاملاً متفاوت از دانشمندان غربی نیز پیش رفت" ^۱ - م. شاهینیان می‌نویسد.

کاری که شارموا در مطالعه آثار نظامی انجام داد بسیار زیاد است و ماهیت روش شناختی دارد. در حالی که محققان اروپای غربی آثار نظامی را جدا از اصل و محیط فرهنگی خود می‌دانستند، شارموا ابتدا به تعلق نظامی به آذربایجان و تفاوت او با

^۱ Шагинян М.С. Указ. сочинение, стр. 66.

سایر شاعرانی که در قرن دوازدهم در آذربایجان می زیستند با شاعران پارسی توجه کرد.

قبلاً در زمان اتحاد جماهیر شوروی، سهم بزرگی در مطالعه و ترجمه میراث ادبی نظامی توسط ی. ا. برتلس، آ. آ. روماشکویچ، م. شاهینیان، ن. و. دیاکونوف، آ. کریمسکی انجام شد.

برای مطالعه و ترجمه نظامی در آذربایجان کارهای زیادی انجام شد. دانشمندان آذربایجانی-نظامیشناسان و مستشرقان – م. ا. رسولزاده، ح. ارسلی، ر. آزاده، ر. علی اف، ن. ارسلی، ط. کریملی و بسیاری دیگر سهم انکارناپذیری در بررسی جنبه های متعدد کار شاعر و دوران او داشتند.

مایلم به ویژه بر کتابهای آکادمیسین ر. مهدیف، «نظامی گنجوی، میراث یک متفکر در بستر فرهنگ جهانی و هویت ملی» (باکو، ۲۰۲۱)، آکادمیسین ط. کریملی «نظامی و تاریخ» به زبان آذربایجانی (باکو، ۲۰۲۱)، آکادمیسین آکادمی ملی علوم آذربایجان ن. ارسلی «نظامی گنجوی و ادبیات ترکی» (باکو، ۲۰۲۱) و کتاب محقق جوان با استعداد ا. امیروف «متفکر، تحت الشعاع شکوه شاعر درباره نگرش علمی نظامی گنجوی» (باکو، ۲۰۲۱) که امروز پس از فرمان ریاست جمهوری در هشتاد و هشتادمین سالگرد این شاعر منتشر شده است تأکید می کنم.

مروری بر ادبیات مربوط به ریشه ترکی نظامی.

ارتباط با میهنش آذربایجان

همانطور که در بالا اشاره شد، از قرن دهم در شرق قرون وسطی، زبان فارسی به دلایل خاصی جایگاه زبان شعر عالی را پیدا کرد. از آسیای صغیر تا هند، فراگیر در گستره‌ای وسیع، نه تنها پارسیان قومی، بلکه بسیاری از مردمان دیگر ساکن در این منطقه پهناور شعر سروده‌اند. ی.ا. برتلس در این باره می‌نویسد: «در زمان سلجوقیان بود که زبان فارسی زبان اصلی ادبی «سرزمینی وسیع از هند تا آسیای صغیر...» شد.^۱

قرون ۱۰-۱۲ دوره بسیار دشوار و در عین حال بسیار جالب در تاریخ کشورهای شرق مسلمان بود. در این زمان بود که نظامی (۱۱۴۱-۱۲۰۹) زندگی و کار کرد که آثارش به وضوح واقعیت‌های زندگی شهری آن زمان را منعکس می‌کرد. ی.ا. برتلس می‌افزاید: «تنها در شرایط شهر آن زمان، حتی به طور کامل تر، شهر ماوراء قفقاز، می‌توانست این استعداد استثنایی مانند معماران زمان سلجوقی شکوفا شود و سنت‌های جهان اسلام و ثروت هنری را متحد کند. قفقاز مسیحی در آن، گویی در یک کانون، همه تضادهای دوران در هم می‌آمیزند، با قلم جسورانه

^۱ Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество, стр. 16.

خود، تصاویر آن زمان را به ما نشان می دهد که با رنگ هایی ترسیم شده است که از دست زمان نمی ترسد.^۱

م. شاهینیان خاطر نشان می کند که نظامی به فارسی نوشته است - «این «لاتینی» تقریباً تمام آسیای غربی و مرکزی» است^۲ و ادامه می دهد که او برای مدت طولانی شاعر پارسی زبان محسوب می شد، «بدون در نظر گرفتن محل تولد، زندگی و مرگ او (گنجه)، نه پیوند اساسی او با محیط آذربایجان، که میراث ادبی شاعر گواه آن است، و نه واگرایی شدید او با بسیاری از سنت های ادبی صرفاً فارسی.»^۳

و سپس نویسنده سخنان دانشمند برجسته ی. مار را نقل می کند. ن. مار در مورد نگرش بی دقتی یا خصمانه روشنفکران ایرانی نسبت به آثار خاقانی و نظامی را نمی توانند "بومیان و ساکنان آذربایجان قفقازی را شاعران ملی خود بدانند."^۴ مار در همان زمان سخنان سعید نفیسی را که در آن زمان یک شاعر جوان و بعداً به یک منتقد ادبی مشهور تبدیل شد نقل می کند: "نظامی شاعر فارس نیست و در یک محیط آذربایجانی زندگی و کار می کرد و اشعارش برای یک فارس قابل درک نیست."^۵

^۱ Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество, стр. 19.

^۲ Шагинян М.С. Указ. сочинение, стр.5.

^۳ همان، ص ۵

^۴ مان، ص ۶

^۵ همان، ص ۷

ارتباط نظامی با محیط زادگاهش در تمام آثارش به وضوح دیده می‌شود. ی. ا. برتلس با اشاره به این که چگونه نظامی در اشعار خود به اصطلاح اصالت خود پاسخی قاطع به گستاخی و غرور بیش از حد اشراف ایرانی می‌دهد، کاملاً منطقی نگرش واقعی شاعر را نسبت به این بزرگوار نشان می‌دهد که ناتوانی و درماندگی اش بوده است. برای شاعر کاملاً روشن است. از این رو شاعر حمایت و تقویت جایگاه اشراف ایل ایرانی را با کار خود کاملاً غیر ضروری دانسته است. این دانشمند می‌نویسد: «از اینجا نگرش او نسبت به زبان کاملاً ثابت است. اگر شرایط عصر او را مجبور می‌کرد که از زبان ادبی فارسی استفاده کند، سپس آن را باستانی کند، برای خلوص خیالی تلاش کند، البته برای او کاملاً بی‌فایده بود. او با جسارت از کلمات عربی استفاده می‌کند که به او اجازه می‌دهند زبان را غنی کند و بیان آن را افزایش دهد.»^۱ توجه داشته باشید که شاعر با جسارت در صورت لزوم نه تنها از کلمات عربی، بلکه ترکی نیز استفاده می‌کند که در ادامه به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

بسیاری از محققان در مورد پیوند ناگسستنی نظامی و زادگاهش آذربایجان نوشته‌اند. آکادمیسین ح. ارسلی، ادبیات‌شناس نامدار آذربایجانی خاطر نشان کرد: نظامی علیرغم اینکه آثار خود را به زبان فارسی می‌نوشت، همیشه مانند آذربایجانی‌ها می‌اندیشید

^۱ Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество, стр. 129.

و عبارات مجازی خود را از مردم، زبان زنده عامیانه وام گرفته بود.^۱ علاوه بر این، دانشمند استفاده از ضرب المثل ها و گفته های ترکی توسط نظامی را در نمونه های عینی اثبات می کند.

محمد رسول زاده همچنین خاطرنشان کرد: آثار شاعر از نظر احساس، اندیشه و ناخودآگاه با محیط شکل گیری آن پیوند عمیقی دارد.^۲ گفته های نویسنده به طور منطقی از این نتیجه می شود: «با مطالعه آثار نظامی کاملاً مشخص می شود که او از ناسیونالیسم ایرانی به دور است، سرشار از عشق به ترکان، در ارتباط با محیط زیست و زندگی ماوراء قفقاز، شاعر پیوسته نگران سرنوشت تاریخی و آینده سرزمینش، در یک کلام، البته شاعر آذربایجانی است.»^۳ ی. ا. برتلس همچنین به ارتباط ناگسستگی آثار نظامی با آذربایجان زادگاهش اشاره می کند: «من در اینجا از این نام استفاده می کنم و نه از اصطلاح اران که در قرن دوازدهم به کار می رفت و گنجه قسمتی از آن بود. زیرا دیدیم که گستره نظامی بیشتر از مرزهای باریک اران است؛ در اصل، او نه تنها آذربایجان، بلکه سراسر ماوراء قفقاز را در بر می گیرد. این شرایط بسیار مهم است، زیرا به وضوح نشان می دهد که نظامی علیرغم زبان آثارش، ارتباط خود را با سرزمین مادری خود به وضوح احساس می کرد. مشخص است که حتی نظامی فعالیت های اسکندر را نیز تلاش می کند که به خاک آذربایجان انتقال کند.

^۱ Araslı H. «Azərbaycan ədəbiyyatı: tarixi və problemləri». Bakı, 1985.

^۲ Rəsulzadə M.Ə. Azərbaycan şairi Nizami. Bakı, 1991, səh. 28.

^۳ همان، ص ۲۸

او با عشقی خاص به شرح زیبایی های طبیعت میهن خود می پردازد. می توان گفت که توصیف های نظامی از طبیعت در مورد برده، تفلیس و دیگر شهرهای ماوراء قفقاز بسیار واضح است.^۱ و سپس دانشمند برجسته نظری بسیار مهم را بیان می کند: «... نظامی به آذربایجان به عنوان بخشی از ایران نگاه نمی کند، او قاطعانه بر استقلال و آزادی آن پافشاری می کند».^۲

پیوند شاعر با سرزمین مادری و قومیت خود نیز در کتاب م. ا. رسول زاده بررسی شده است. نویسنده می نویسد که در هیچ کجا و در هیچ یک از آثاری که به فارسی نوشته شده است، مفهوم «ترک» با عشق و قوام منطقی مانند نظامی به کار نرفته است. و در ادامه می افزاید که در «خمسه» شاعری که مطالعه کرده، بیش از ۸۰ تأیید و توجیه مختلف برای این گفته یافته است.^۳ هر چیزی زیبا، مغرور، قهرمان، مثبت، پاک، راستگو در آثار نظامی ترک است. مبارز، قهرمان، فرمانده، متخصص در رشته خود، شوهر، رهبر، سرور توسط شاعر به عنوان یک ترک شناخته می شود.^۴ در نتیجه م. ا. رسول زاده می گوید: آثار نظامی اگرچه به زبان فارسی نوشته شده اند، اما از نظر روحی و محتوایی کاملاً ملی هستند.

^۱ Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество, стр. 136.

^۲ همان، ص ۱۳۷

^۳ Rəsulzadə M.Ə. Azərbaycan şairi Nizami. Bakı, 1991, səh. 141.

^۴ همان، ص ۱۴۲

بازتاب واقعیات آذربایجان در آثار نظامی

این پرسش در تمام آثار نظامی بازتاب گسترده ای داشت. در اینجا ابتدا شعر شاعر بزرگ «لیلی و مجنون» را بررسی می کنیم. معروف است که داستانهای عربی درباره دو عاشق که در کتابهای ابن قتیبه الدینوری «کتاب الشعر و شعراء»، ابوالفرج اصفهانی «کتاب الاغانی» منعکس شده است (دو باب درباره شاعر عرب قیس بن مولحه از قبیله بنی عامر) و همچنین کتاب «اخبار المجنون و اشعاره» ابوبکر والبی.

نظامی پس از آشنایی کامل با منابع اولیه و مهمتر از همه با آثار ابوالفرج اصفهانی، خلاقانه به منبع خود نزدیک شد، با مهارتی فراوان که فقط در قلم او نهفته بود، به پردازش نامتغییرها پرداخت و برخی از بخشها را تغییر داد. تکمیل آنها، و حذف برخی از آنها به طور کلی بدین ترتیب شاعر طرح را با واقعیت های آذربایجان در قرن دوازدهم تطبیق داد. ی.ا. برتلس می نویسد: "تفاوت ها مشخصه ای هستند که توضیح ظاهر آنها گاهی ممکن است دشوار نباشد." ^۱ مثلاً در کتاب ابوالفرج سه قسمت از ملاقات عاشقان ذکر شده است: در کودکی بره های خانواده خود را با هم چرا می کردند، پسر چون از زیبایی دختر شنیده بود به ملاقات او

^۱ Бертельс Е.Э. Низами. Монография. – Избранные труды. Низами и Физули. Москва, 1962, стр. 279.

رفت. و عاشقان به طور اتفاقی در طول بخش با بادیه نشین کریمه ملاقات کردند. مجنون و لیلی نظامی در مدرسه آشنا می‌شوند، با هم درس می‌خوانند - تکنیکی که نظامی برای افزایش صحت روایت به کار می‌برد، جزئیاتی که در زندگی اجتماعی جامعه شرقی قرن دوازدهم بسیار رایج است، زمانی که تعداد زیادی از آن وجود داشت. مدارسی که در آن دختران و پسران با هم تحصیل می‌کردند. اگر در افسانه عربی عمل در اردوگاه بادیه نشینان، خیمه‌ها، در دشت و صحرا صورت می‌گیرد، در شعر نظامی محل عمل در کنار صحرا و دشت، شهری قرون وسطایی با خیابان‌ها و محله‌هاست.

در مثنوی نظامی لیلی با نوشتن غزل‌هایی از احساسات و رنج‌های خود، آنها را یادداشت می‌کند و در مکان‌های شلوغ‌رها می‌کند، رهگذران آنها را به مجنون می‌رسانند. در افسانه عربی، لیلی اشعار خود را با واسطه در انتقال شفاهی به مجنون می‌فرستد - جزئیاتی که نشان دهنده فقدان نگارش گسترده در عربستان در نیمه دوم قرن هفتم است و حضور آن در آذربایجان در قرن دوازدهم است. نظامی می‌گوید مجنون با دو سه دوست هر روز صبح «به زیارت خانه آن قمر می‌رفت».^۱ در اثر ابوالفرج دو پسر عموی مجنون به عنوان «دو سه دوست» عمل می‌کنند که با آنها به اردوگاه متروک لیلی می‌رود تا آثار او را تحسین کند: «با

^۱ Низами. Лейли и Меджнун. Перевод вступительная статья и примечания Р.Алиева. Баку, 1981, стр. 99.

او رفتند و به خانه لیلی رسیدند. مجنون مدتی طولانی در کنار او ایستاد و به دنبال آثار او بود و چون چیزی پیدا کرد گریست...»^۱ در منبع عربی دو قسمت از ازدواج لیلی آمده است: به گفته یکی از آنها، او برخلاف میل خود با اجبار بستگانش با ورده بن العقیلی ازدواج می کند و به قول دیگری داوطلبانه با یک سکینیت جوان و خوش تیپ ازدواج می کند. هر دو قسمت بسیار مختصر و تنها در چند جمله ارائه شده است. شعر نظامی به تفصیل قسمت های ملاقات ابن سلام با لیلی، خواستگاری او و رضایت پدر و مادر لیلی را بیان می کند. سه قسمت از دیدار مجنون و نوفل در یک منبع عربی آمده است. با این حال، در اینجا، مانند نظامی، درگیری نظامی بین جنگجویان نوفل و قبيله لیلی وجود ندارد. در اثر نظامی، نوفل دو بار از طریق پیام رسان ها خواستار استرداد لیلی می شود. او تکذیب می شود. نبرد آغاز می شود. معرفی صحنه نبرد تأثیر عاطفی شعر را بر خواننده قرن دوازدهم که ذوق زیبایی‌شناختی او به روایت‌های قهرمانانه عادت دارد، افزایش می‌دهد. ی. ا. برتلس در این باره نوشت: «در افسانه عربی درگیری نظامی وجود ندارد، اما کاملاً واضح است که از دیدگاه شاعر قرن دوازدهم شرح نبرد یکی از سودمندترین موضوعاتی بود که بر اساس تجربیات گسترده پیشینیان، امکان نشان دادن تمام مهارت های آنها وجود داشت. همچنین بدیهی است که خواننده از

^۱ کتاب الاغانی تألیف أبي الفرج الأصفهانی. الجزء الاول - الجزء الرابع والعشرون. بيروت - لبنان، ۱۹۹۴، ج ۳، ص ۲۸.

محافل اشراف فئودالی، این موضوع باید به ویژه جالب به نظر می رسد ...^۱ با این حال، این نیاز به معرفی صحنه نبرد را تمام نمی کند. بخش درگیری نظامی در اثر نظامی شخصیتی چندکاره دارد. مجنون در جریان نبرد همدردی خود را با رزمندگان قوم لیلی پنهان نمی کند و برای پیروزی آنها دعا می کند و به آنها کمک می کند - این شاعر بزرگ با این کار قدرت بیش از پیش عشق خارق العاده مجنون را نشان می دهد.

نظامی بخشهای «مجنون نزد قبر پدرش شتر را ذبح می کند»، «بخش با آتش»، «بخش با نفت»، «یک قسمت با یک بطری مشک»، «خطاب به کبوتر (کبوتر)»، «خطاب به لاک پشت ها»، «خطاب به کوه»، «خطاب به یمنی ها» و... را ندارد که موجود است. در «کتاب الاغانی» یعنی بخشهایی که فرعی هستند و نقش مستقیمی در توسعه طرح ندارند. این بخشها، به استثنای موارد نادر، واقعیت های زندگی بادیه نشینان را منعکس می کند و با شرایط آذربایجان در قرن دوازدهم بیگانه است. مثلاً ذبح شتر بر سر قبر بنا به اعتقاد اعراب روح نآرام متوفی را آرام می کرد و معلوم است که چنین رسم اعراب برای خوانندگان سرزمین نظامی بیگانه و نامفهوم بوده است و بنابراین در شعر منعکس نشد.

برخلاف افسانه عربی که مجنون برادران زیادی داشت، در شعر نظامی، پدر مجنون وارثی ندارد و تنها پس از دعاها

^۱ Бертельс Е.Э. Низами. Монография.- Избранные труды. Москва, 1962, стр 268.

طولانی و اعانه های متعدد صاحب فرزند پسری می شود - نقشی که به داستان های عامیانه آذربایجان برمی گردد. علاوه بر این، این وضعیت کاملاً واقع بینانه است، می تواند اغلب اتفاق بیفتد، و بنابراین قابل درک و نزدیک به خواننده است. در شعر نظامی هیچ قسمتی از گریه مجنون در اردوگاه متروک لیلی نیست. معلوم است که بخش گریه در اردوگاه متروک معشوق جزء واجب قصیده عرب جاهلی بوده و در اشعار اموی و عباسی کاربرد فراوانی داشته است. این قسمت که در شرایط زندگی عشایری بادیه نشینان عرب قابل درک و رایج بود، با زندگی اجتماعی گنجه در قرن دوازدهم بیگانه بود.

نظامی آن بخشی که ابوالفرج نوشته است ندارد که مجنون پنهانی بدون آگاهی پدر و شوهر لیلی شبانه با او ملاقات می کند. همچنین در اثر نظامی آن بخش وجود ندارد که به مجنون خبر می رسد که شوهر لیلی او را تهمت زده است. قسمتی که پدر مجنون از یک طائفی می خواهد که به لیلی تهمت بزند و همچنین داستانی از سخنان شیوخ قبیله مُره که چگونه موریت که زیر باران افتاده بود وارد چادری شد که ملاقات کرد و معلوم شد زنی که در چادر بود لیلی بود.^۱

در «کتاب الاغانی» هیچ قسمتی وجود ندارد که پیرزن به درخواست مجنون او را به زنجیر ببندد و به همه جا ببرد و در نهایت او را به لیلی برساند. این قسمت را نظامی آشکارا از کار

^۱ کتاب الاغانی تألیف ابي الفرج الأصفهانی. الجزء الاول - الجزء الرابع و العشرون. بیروت - لبنان، ۱۹۹۴، ج ۳، ص ۷۲، ۷۵، ۸۵-۸۷.

الوالیبی وام گرفته است. کتاب الاغانی همچنین فاقد شرح صحنه نامزدی لیلی و اقامت بعدی او در خانه شوهرش است.

گفتگوی مجنون با ستارگانی که در شعر نظامی وجود دارد در «کتاب الاغانی» نیست - زهره، مشتری، مناجات به حجره پروردگار، دیدار مجنون و مادرش، قسمتی که مجنون از مرگ با خبر می شود. از مادرش قسمت های فوت شوهر لیلی، نزدیک شدن به پاییز و مرگ لیلی، گریه مجنون بر قبر لیلی، مرگ مجنون بر قبر معشوق نیز در منبع عربی وجود ندارد. به راحتی می توان دریافت که معرفی این قسمت ها توسط نظامی نیز در خدمت ایده آل سازی بیشتر عشق لیلی و مجنون و انطباق داستان با زندگی اجتماعی گنجه در قرن دوازدهم می باشد.

نظامی که از قبل شروع به سرودن شعر کرده بود، آنگونه که در منابع عربی آمده است، وظیفه بازگویی دقیق داستان لیلی و مجنون را بر عهده خود قرار نداد، بلکه می خواست اثری کاملاً جدید و بدیع درباره عشق دو عاشق بدبخت بیافریند. شاعر با استفاده از بخشهای جداگانه و تکه تکه منبع عربی، شعری را خلق کرد که کل روایت آن حول یک طرح واحد متحد شده است. ی.ا. برتلس می نویسد: "نظامی از عناصر یک افسانه عربی به شدت بی عارضه موفق شد شعری موزون بسازد که با هماهنگی و انسجام تقریباً ارگانیک خود جذب می شود."^۱ با وجود این واقعیت

^۱ Бертельс Е.Э Низами. Монография. - Избранные труды. Москва, 1962, стр. 268.

که مرزهای جغرافیایی و ملی به وضوح در شعر مشخص شده است - وقایع در عربستان رخ می دهد و شخصیت ها عرب هستند، کل روایت با محیط آذربایجانی بومی نویسنده پیوند نزدیک دارد. داستانی که منعکس کننده زندگی قهرمانان در شرایط نظام قبیلہ ای عربستان در نیمه دوم قرن هفتم است، توسط استاد زبردست به طور هماهنگ با شرایط آذربایجان قرون وسطی تطبیق داده شد. آن تصویر عاشق ایده آل که در برابر خوانندگان و شنوندگان بعدی ظاهر شد، مسیر معینی از بازاندیشی ایدئولوژیک و هنری و ایده آل سازی کارکردی را طی کرد تا اینکه از هر چیزی که حتی می توانست کوچکترین آسیبی به تصویر تثبیت شده معشوق ایده آل آسیب برساند پاک شد.

مجنون نظامی، جوانی است غیرمعمول، خوش تیپ، با استعداد و پرشور که از کودکی با روحیه بسیار حساسی متمایز شده است، معشوق کاملاً زمینی خود را فداکارانه و به سوی فراموشی دوست دارد. این محبت به مجنون الهام می بخشد، به او نیرو می بخشد و او را در آزمایش های ظالمانه ثابت قدم می کند. نظامی مدام از سرودن اشعار مجنون درباره معشوقش یاد می کند:

می خواند نشید مهربانی
بر شوق ستاره یمانی

هر بیت که آمد از زبانش
بر یاد گرفت این و آنش^۱

«کتاب الاغانی» در دو فصل درباره مجنون، ابیات متعددی از مجنون درباره لیلی دارد که در آن‌ها شاعر از روزهای خوشی که با او سپری کرده بود، یاد می‌کند و مدام اشعار او را سرود. بدیهی است که قیس در سیمای نظامی فردی است که محیط خود را به چالش کشیده، از هنجارهای اخلاقی سنتی آن منحرف شده و در مقابل لقب وسواس - مجنون دریافت کرده است، او را جامعه ای که در آن زندگی می‌کند درک نمی‌کند. که باعث می‌شود او تمام پیوندهایی را که او را با این جامعه پیوند می‌دهد، قطع کند.

مجنون نظامی با قهرمان ایستای افسانه عرب متفاوت است. نظامی تصویر مجنون را فردی کرد و ویژگیهای جدید بسیاری به او عطا کرد و جزییات روشن و اصیل را یافت که بر استعداد شاعرانه قهرمان تاکید دارد. برخلاف ابو فرج نظامی اول از همه در تصویر مجنون نه شاعری عاشق بلکه جوانی زیبا و باهوش که قلبش از احساسات انسانی والا سرشار است و عشق خارق العاده اش در اشعار غنایی زیبا می‌ریزد.

^۱ لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه‌ای. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران، ۱۳۷۶، ص. ۷۴

مانند تصویر مجنون، تصویر لیلی در شعر نظامی نیز دچار تحول خاصی شده است. نظامی با اشتراک ویژگی‌های فردی که او را با عربی ثابت مرتبط می‌سازد (زیبایی، عشق فوق‌العاده به مجنون، ازدواج برخلاف میل او، سرودن شعر و...) چهره لیلی را به شیوه‌ی خودش پرورش داد، قهرمانش را فردی کرد، بخشید. ویژگی‌های جدید او چیزی که لیلی را در شعر از قهرمان افسانه عربی متمایز می‌کند این است که در دومی به صورت فرعی ظاهر می‌شود، در حالی که در مثنوی نظامی لیلی شخصیت اصلی است. شاعر، تاریزترین جزئیات، تصویر مجنون محبوب جاودانه را توسعه داد، تصویری از یک زن آذربایجانی قرون وسطایی را بازسازی کرد. در شعر نظامی، چهره لیلی مملو از بسیاری از خصلت‌ها و خصایص جدید است که اولین بار توسط شاعر بزرگ معرفی شده است. مرحوم پروفیسور ر.م. علی اف می‌نویسد: «تصویر لیلی یکی از بهترین ساخته‌های قلم نظامی است. این تصویر به وضوح، به صورت برجسته، با عشق نوشته شده است. در کنار ویژگی‌های سنتی توصیف، مشخصه زیبایی‌های شرقی، در اینجا نیز ویژگی‌های فردی مشخص شده را می‌بینیم که نظامی با کمک آنها تصویری به یاد ماندنی خلق می‌کند.»^۱ نویسنده به تفصیل ظاهر قهرمان را توصیف می‌کند، سال‌های تحصیل در

^۱ Алиев Р.М. Низами и его поэма. «Лейли и Меджнун». Предисловии к кн.: Низами Гянджеви. Лейли и Меджнун. Пер., предисловие и комментарии Рустам Алиева. Баку, стр. 16

مدرسه، روند تولد عشق به مجنون، عمیقاً دنیای درونی قهرمان را آشکار می‌کند. در عین حال، جزئیات ذکر شده توسط ابوالفرج گاهی به تار و پود حماسی بزرگ و انحرافات غنایی تبدیل می‌شود. لیلی نظامی در عین حال با دوگانگی نهفته در قهرمان ابوالفرج بیگانه است. لیلی نظامی همچون مجنون، حامل اندیشه عشق متعالی، مظهر اخلاص و فداکاری، صاحب بهترین صفات انسانی و اخلاق والا است. اگر اندیشه ابوالفرج درباره شریعی شدن اجتماعی سرنوشت لیلی در طفولیت است، نظامی این اندیشه را عمیق و حیات می‌بخشد. در جامعه ای که لیلی در آن زندگی می‌کند، در شرایط شهری قرون وسطایی، عشق یک زن جنایتی هولناک علیه اقوام و دوستان تلقی می‌شود. در اینجا زن از حق رای محروم است، جرأت ندارد نظر خود را داشته باشد و آن را بیان کند، اینجا فقط موضوع خرید و فروش است. لیلی هم زندانی احکام اخلاق عمومی و هم محبت است. کشمکش درونی شدیدی در روح او وجود دارد - مبارزه ای بین احساس وظیفه نسبت به پدر و مادر و شوهر و عشق به مجنون.

از همان آغاز، افسانه مجنون در شعر آذربایجان به دو صورت توسعه یافت - صفحه عشق دنیوی و الهی. در هر شعر هر دو عنصر در کنار هم وجود داشتند که سهم آنها در محتوای ایدئولوژیک شعرها متفاوت بود. بسته به ماهیت محیط فرهنگی- اجتماعی محل نوشتن اشعار و فضای ایدئولوژیک نویسنده،

تعبیری عاشقانه و یا عرفانی-صوفیانه از عشق لیلی و مجنون به ظهور رسید. هر شاعری که به این طرح روی آورد، افسانه‌ها را مطالعه کرد و خلاقانه از تجربیات پیشینیان خود استفاده کرد که به او کمک کرد راه حل اصلی خود را برای موضوع پیدا کند و یک اثر اصلی خلق کند.

نظامی به طرز شگفت‌انگیزی با احساس جهت‌گیری ایدئولوژیک منبع عربی در مورد لیلی و مجنون، اندیشه عشقی فوق‌العاده، متعالی، بی‌غرض و با ادغام خلاقانه آموزه‌های مربوط به عشق که در کل سیر تکاملی پیشین اندیشه بشری ایجاد شده است، خود را به وجود آورد. آموزه‌های اخلاقی معروف در مورد عشق متعالی شاعر با آشکار ساختن عشق در سطح سکولار، داستان دو عاشق را تا سطح یک درام عمیق اجتماعی-روانی توسعه داد. در درک نظامی، عشق یک احساس پاک و بی‌آلایش و عاری از هرگونه علایق خودخواهانه است. به گفته نظامی مهربانی، انسان دوستی، همدردی با ضعیفان و مستضعفان، نارضایتی از بی‌عدالتی اطراف از ویژگی‌های طبیعی عاشق است. بنابراین، عشق در سیمای شاعر بزرگ، قبل از هر چیز، یک مقوله اخلاقی است: یک منبع واقعاً عاشقانه شادی او را فقط در شادی معشوق می‌بیند. از نظر نظامی عشق احساسی است که ابتکار را در انسان بیدار می‌کند و او را به عمل و مبارزه

سوق می دهد. شاعر عشق را بالاترین حالت روح انسان می داند، عالی ترین حالت روحی، آن را خدایی می کند.

شاعری که با زبان ثابت عربی آشنا بود، از برخی بخشها و جزئیات استفاده کرد، برخی دیگر را کنار گذاشت، در حالی که این یا آن واقعیتی که به کار برد، با درک نویسنده از واقعیت، فرآیندهای ایدئولوژیک و اجتماعی در حال وقوع در آن، که در نهایت به خلقت انجامید، غنی شد. از تصاویر و طرح، بسیار غنی تر و پیچیده تر از آنچه در حالت ثابت بود.

نظامی با وام گرفتن از «کتاب الاغانی» مطالب ایدئولوژیک و مضمونی که با جهت گیری ایدئولوژیک او مطابقت داشت و با اصول کلی زیبایی شناسی همخوانی داشت، برای اولین بار یک اثر هنری کامل را بر اساس قطعات ناهمگون یک افسانه عربی خلق کرد که حول یک افسانه واحد ساخته شده بود. طرحی که تمام قسمت های آن به طور هماهنگ با یکدیگر پیوند خورده اند. در همان زمان، شاعر با قسمت های جدید و توصیف های شگفت آور ظریف از مشاهدات پدیده های طبیعی و زندگی اجتماعی سرزمین مادری خود، طرح را غنی کرد. نظامی با روایت داستان غم انگیز عشق دو عاشق نگون بخت، به طور همزمان هدفی تعلیمی را به عبارت دیگر تعلیم و تربیت خواننده را دنبال می کرد. شاعر با موعظه اصول اومانیسیم، عدالت، آزادی انسان، در پی آن است که از طریق روشنگری بر آسیب های اجتماعی جامعه غلبه کند. و

اگر اساس ایدئولوژیک داستان عربی کاملاً به ایده عشق متعالی ناب دو عاشق بخت برگشته تقلیل یابد که مقدر نیست در این دنیا خوشبختی بیابند، پس اساس ایدئولوژیک شعر نظامی به طور غیرقابل مقایسه عمیق تر و چندوجهی تر است. شاعر از داستان ساده دو عاشق، موفق شد تراژدی اجتماعی عمیق و پر از برخوردهای تراژیک خلق کند تا تضاد بین احساسات طبیعی شخصیت ها و قوانین جامعه ای که در آن زندگی می کنند را نشان دهد.

بنابراین، در شعر نظامی، پردازش مطالب عربی به این سمت پیش رفت: داستان عربی درباره دو عاشق با شرایط آذربایجان در قرن دوازدهم تطبیق داده شد. قهرمانان نظامی همان گونه زندگی می کنند، عمل می کنند و احساس می کنند که اگر در عصر او و در وطن او زندگی می کردند.

شواهد ترکی بودن در آثار خود نظامی

درباره آذربایجانی بودن نظامی تا به امروز مطالب زیادی نوشته شده است. اینها آثار ی. ا. برتلس "نظامی شاعر بزرگ آذربایجان" (باکو، ۱۹۴۰)، آ. ا. کریمسکی "نظامی و معاصرانش" (باکو، ۱۹۸۴)، م. س. شاهینیان "اتودهای درباره نظامی" (باکو، ۱۹۸۱) هستند، اگرچه کتاب نوشته شده در ۱۹۴۷-۱۹۵۶، آثار متعددی از محققان آذربایجانی از جمله ر. م. علی اف، ح. ارسلی، ر. آزاده، م. ا. رسولزاده، آ. حاجی اف، م. جعفر، م. عارف، م. رفیعی، ت. کریمی، م. د. کاظم اف، خ. یوسفلی، گ. بگدلی، چ. ساسانی، ا. عباسوف و دیگران را می توان یاد کرد.

آثار نظامی عمیقاً با همدردی نویسنده نسبت به هر چیزی که ترکی است آغشته است. مثلاً در «هفت پیکر» شاعر هم خود شاهزاده خانم ها را می خواند و هم دختران زیبا را در مثل هایی که می گوید «زنان ترک» می نامد. شاعر در توصیف زیبایی یک زن کرد، چشمان او را به چشمان یک زن ترک تشبیه می کند. شاعر با به تصویر کشیدن دختران عرب، آنها را به زنان ترک تشبیه می کند و آنها را «زنان ترک در بدن عرب» می نامد. همین تصویر در قصیده شاعر تقدیم به پیامبر آمده است:

ترکیست تازی اندام وز بهر دلستانی
بر عارض سپیدش خال سیه ز عنبر^۱

شاعر همه ی دختران را به زنان ترک تشبیه می کند، چه زیباروی هندی باشد و چه چینی و یا هر دختر دیگری. و اینگونه آنها را توصیف می کند:

تنگ دل از خنده ترکان شکر
سرمه برآز چشم غزالان نظر^۲

یا:

ماه عربی به رخ نمودن
ترک عجمی به دل ربودن^۳

در سبک شعری نظامی که با فراوانی استعاره های ماهرانه متمایز می شود، ترک گرایی، ترکیسم نماد قدرت و قهرمانی است.

^۱ دیوان قصائد و غزلیات نظامی گنجوی. به کوشش استاد سعید نفیسی. تهران، ۱۳۶۲، ص. ۲۳۲

^۲ نظامی گنجوی. مخزن الاسرار. متن علمی و انتقادی به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی عزیزاده. باکو، ۱۹۶۰، ص. ۷۵.

^۳ لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه ای. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران، ۱۳۷۶، ص. ۶۱

در شرفنامه می خوانیم:

غلامان ترکم چو گیرند شست
ز تیری رسد لشگری را شکست^۱

در همین شعر، ابیات زیر در ستایش برتری کمی ترکان و
صفات رزمی آنان آمده است:

ز کوه خزر تا به دریای چین
همه ترک بر ترک بینم زمین

اگر چه نشد ترک با روم خویش
هم از رومشان کینه با روس بیش

به پیکان ترکان این مرحله
توان ریخت بر پای روس آبله^۲

به گفته نظامی، دولت ترکان همیشه به عدالت متمایز بوده
است:

^۱ حکیم نظامی گنجوی. شرفنامه. به تصحیح استاد وحید دستگردی. تهران، ۱۳۳۰، ص. ۳۷۸

^۲ حکیم نظامی گنجوی. شرفنامه. به تصحیح استاد وحید دستگردی. تهران، ۱۳۳۰، ص. ۴۳۴

دولت ترکان که بلندی گرفت

مملکت از داد پسندی گرفت^۱

تأیید ترکی بودن نظامی نیز یک بیت است، وقتی شاعر با

اشاره به همسر فوت شده ی نابهنگامش، آفاق ترک زن قبحاق

می نویسد:

اگر شد ترکم از خرگه نهانی

خدایا ترک زادم را تو دانی^۲

به نظر ما این بیت در شناسایی قومی نظامی از اهمیت

استثنایی برخوردار است. واژه ترک - در اصل "ترکزاد" - دقیقاً

به معنای قومیت پدر "ترک" است، یعنی منشأ از پدر (پشت) و

نه از مادر، چنانکه برخی از محققین نظامی معتقدند.

بخش دیگر زمانی است که شیروانشاه اخستان اول با

سفارش شعری درباره عشق جاودانه پهلوانان که در سراسر

شرق و از جمله آذربایجان آن زمان رواج داشت، داستانی درباره

لیلی و مجنون می نویسد:

در زیور پارسی و تازی

این تازہ عروس را طرازی^۳

^۱ نظامی گنجوی. مخزن الاسرار. متن علمی و انتقادی به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی
علیزاده. باکو، ۱۹۶۰، ص. ۱۱۳

^۲ نظامی گنجوی. خسرو و شیرین. ترتیب دهنده متن علمی و انتقادی له و الکساندر وویچ خه
تاقوروف. باکو، ۱۹۶۰، ص. ۷۴۵

^۳ لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه ای. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران، ۱۳۷۶،
ص. ۲۵

و سپس شیروانشاه ادامه می دهد:

ترکی صفت وفای ما نیست
ترکانه سخن سزای ما نیست

آن کز نسب بلند زاید
او را سخن بلند باید^۱

شاعر از این جمله شیروانشاه دچار گیجی می شود:

چون حلقه شاه یافت گوشم
از دل به دماغ رفت هوشم

نه زهره که سر ز خط بتابم
نه دیده که ره به گنج یابم^۲

چنانکه می بینید نظامی از سخنان شیروانشاه خشمگین شد که زبان ترکی را شایسته «منشأ والای» نمی دانست. به نظر ما از این موضوع دو نتیجه بسیار مهم می توان گرفت:

۱. زبان ترکی زبان مادری نظامی بود و به همین دلیل بود که سخنان شیوای شیروانشاه خشم عمیقی را در او برانگیخت.

^۱ لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه ای. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران، ۱۳۷۶، ص. ۲۶

^۲ لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه ای. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران، ۱۳۷۶، ص. ۲۶

۲. اگر شیروانشاه دستور دهد که شعر را با کلمات فارسی و عربی «تزیین» کنند، یعنی به فارسی یا عربی بنویسند، اما به هیچ وجه به زبان ترکی توهین نمی کند، به این معنی است که نوشتن به زبان ترکی در آن ها رایج بوده است. روزها استفاده می شد، در آن می نوشتند و نظامی این زبان را می شناخت و حتی به آن می نوشت که برای معاصرانش و حتی شیروانشاه اخستان اول بسیار شناخته شده بود.

شاعر در شعر «هفت پیکر» تلخی خود را از این که زبان ترکی او در کاخ های بلند مورد تقاضا نیست، بیان می کند:
ترکیم را در این حبش نخرند^۱

برخی از محققین با اشاره به ریشه قومی نظامی در «لیلی و مجنون» سرسختانه به بیت اشاره می کنند که شاعر با یادآوری بستگان خود که از این دنیا رفته اند، درباره مادرش می نویسد:

گر مادر من رئیسه گرد
مادر صفتانه پیش من مرد^۲

در نسخه های خطی اولیه به زبان فارسی، کلمه «گرد» «مفتخر» - «شجاع» به اشتباه «کرد» «زن کرد» خوانده می شد:

^۱ هفت پیکر نظامی گنجوی. متن علمی و انتقادی. به تصحیح دکتر برات زنجانی. تهران، ۱۳۸۰، ص. ۴۱
^۲ لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه ای. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران، ۱۳۷۶، ص. ۴۹.

گر مادر من رئیسه کرد
مادر صفتانه پیش من مرد

در همین راستا، تحریف متناظر تاسف باری در معنای متن
در ترجمه صورت گرفت و عواقب آن این بود که مادر نظامی
ظاهراً یک زن کرد بوده است.
در واقع بیت باید به صورت زیر ترجمه شود:

اگرچه مادرم زن شجاعی بود
او با تمام مهربانی مادرانه در حضور من درگذشت

بنابراین نمی توان از هیچ «رئیه کرد» به عنوان مادر
نظامی صحبت کرد. ضمناً لازم به ذکر است که برای اولین بار
در نظامی شناسی در دهه ۸۰ قرن گذشته، نظامی شناس
معروف، مرحوم پروفیسور رستم علی اف، نوشت.
به نظر ما در اینجا مناسب است درباره بیت دیگری از
نظامی که برخی محققین آن را با منشأ قومی شاعر مرتبط می
دانند، اظهار نظر کنیم.

نظامی یکدشی خلوت نشین است
که نیمی سرکه نیمی انگبین است^۱

^۱ نظامی گنجوی. خسرو و شیرین. ترتیب دهنده متن علمی و انتقادی له و الکساندروویچ خه تا قوروف. باکو، ۱۹۶۰، ص. ۴۴.

کلمه «یکدیش» معانی زیادی دارد. «لغتنامه» دهخدا نشان می دهد که این کلمه در کنار معنای «مستیزو» به معنای «آمیخته ای از دو خاصیت متضاد» نیز می باشد. به نظر ما طعمه نظامی فقط به معنای دوم و مجازی کلمه «یکدیش» است. یعنی شاعر در اینجا فقط بر وجود دو ویژگی متناقض در شخصیت خود تأکید می کند - سوزاننده مانند سرکه و مطبوع، شیرین مانند عسل. اگر زمینه ای که این طعمه در آن داده شده است را در نظر بگیریم، کاملاً آشکار می شود که نظامی کلمه «یکدیش» را در معنای دوم به کار برده است:

نباشد بر ملک پوشیده رازم
که من جز با دعا با کس نسازم...

ز طبع تر گشاده چشمه نوش
بزهد خشک بسته بار بر دوش

دهان زهدم ارچه خشک خانیست
لسان رطیم آب زندگانیست

چو مشک از ناف خلوت برگرفتم
به تنهایی چو عنقا خو گرفتم

گل بزم از چو من خاری نیاید
ز من بیش از دعا کاری نیاید^۱

ظاهراً شاعر با منش متناقض و عادت به تنهایی و گوشه نشینی توضیح می دهد که نمی تواند در محضر شاه حاضر شود و در مجلس او شرکت کند. واژگان متضاد به کار رفته در متن: تازه-خشک، گل نگینی به عنوان وسیله ای برای تقویت معنای آنچه گفته شد عمل می کند و روشن می کند که چرا نظامی خود را «یکدیش» می نامد.

سخنان مهین بانو خطاب به شیرین در شعر «خسرو و شیرین» به وضوح نشان از برتری تبار ترکی در اثر نظامی دارد:

گر او ماهست ما نیز آفتابیم
و گر کیخسرو است افراسیابیم^۲

همانطور که می دانید کی خسرو قهرمان اسطوره ای حماسه فردوسی «شاهنامه» پادشاه افسانه ای ایران است که جد ایرانیان به شمار می رود. افراسیاب پادشاه افسانه ای توران، قهرمان «شاهنامه» فردوسی است که جد ترکان به شمار می رود. بیت نقل شده مبهم است: شاعر با مقایسه کی خسرو با ماه و افراسیاب با

^۱ نظامی گنجوی. خسرو و شیرین. ترتیب دهنده متن علمی و انتقادی له و الکساندروویچ خه تاقوروف. پاکو ۱۹۶۰، ص. ۴۴.

^۲ همان، ص. ۲۱۹.

خورشید بر عظمت اولاد افراسیاب یعنی ترکان که به هیچ وجه کمتر از اولاد کی خسرو یعنی پارسیان نیستند تأکید می کند. ثانیاً، این بیت به وضوح حاوی نظر نویسنده درباره مبارزه جاودانه ایران و توران است که در شاهنامه فردوسی بازتاب گسترده ای دارد. نگارنده اصل ترکی، میراث، نوادگان افراسیاب ترک را بالاتر از اصل ایرانی، میراث و نوادگان کی خسرو قرار داده است.

ثالثاً این بیت به نظر ما به موضوع قومیت شخصیت اصلی شعر شیرین و خاله مهین بانو پایان می دهد و آنها را به صراحت به عنوان یک شاهزاده ترک و یک حاکم ترک معرفی می کند. معروف است که برخی از محققان بر اساس این که شیرین در ارمن (در اثر نظامی) زندگی می کرده است، او را با شاهزاده خانم ارمنی می شناسند و برخی او را آرامی می دانند. پاسخ این سوء تفاهم را باز هم در آثار خود نظامی می توان یافت. بدین ترتیب نویسنده در توصیف بازگشت شیرین پس از غیبت طولانی به کاخ مهین بانو می نویسد:

چو دیدندش زمین را بوسه دادند
زمین گشتند و در پایش فتادند

بسی شکر و بسی شکرانه کردند
جهانی وقف آتش خانه کردند^۱

از دو بیت فوق نیز به صراحت چنین برمی‌آید که شیرین، مهین بانو و همه کسانی که در کاخ او خدمت می‌کردند آتش‌پرست بودند، یعنی زرتشتی، و در کشوری که زرتشتیان زندگی می‌کردند، معابد آتش زیادی وجود داشت. یعنی کشوری که قهرمانان شعر در آن زندگی می‌کردند به دین زرتشتی گرایش داشتند. بنابراین از آنچه گفته شد با اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که شیرین زنی ترک بود که به آتش پرستی می‌پرداخت. اینکه ارمان در آن روزگار سرزمین آتش پرستان بوده را می‌توان در آثار نظامی شواهد بیشتری یافت. بیایید فقط یکی توجه بدهیم:

بریدی در آمد چو آزادگان
ز فرمانده آذرآبادگان

که شاه جهان چون جهان رام کرد
ستم را ز عالم تهی نام کرد

^۱ نظامی گنجوی. خسرو و شیرین. ترتیب دهنده متن علمی و انتقادی له و الکساندر وویچ خه تاقوروف. باکو، ۱۹۶۰، ص. ۲۰۴-۲۰۳.

چرا کار ارمن فرو هشت سست
نکرد آن بر و بوم را بازجست

بروز نو این بوم نزدیک تر
چرا ماند از شام تاریک تر

به ارمن در آتش پرستی کنند
دگر شاه را زیر دستی کنند^۱

یکی دیگر از تأییدهای ترکی بودن نظامی، استفاده زیاد او از کلمات ترکی است. رسول زاده چند نمونه می دهد: آلاچوق (یورد، چادر نمدی)، اماج (هدف)، بیرق (پرچم)، بیلک (مچ)، بیسرک (نوع شتر)، توتوگ (سایبان، چتر)، توتماج (ظروف)، چوخ (خیلی)، چالیش (حمله)، چاوش (گروهبان)، چیرکین (کثیف، زشت)، داغ (نشانه)، بیلاق (فلات کوه، جای خنک)، گالاوز (راهنما)، قیرمیزی (قرمز)، کر (رودخانه ی کر) ، نای ترکی (نای نظامی)، اوشاق (کودک، پسر برده)، اوستاق (اتاق)، انزک (راه رفتن از جلو) و بسیاری دیگر.^۲

^۱ حکیم نظامی گنجوی. شرفنامه. به تصحیح استاد وحید دستگردی. تهران، ۱۳۳۰، ص. ۲۷۳.

^۲ Rəsulzadə M.Ə. Azərbaycan şairi Nizami. Bakı, 1991, səh. 224-228

سبک آذربایجانی

در قرن دوازدهم مکتب شعری آذربایجانی به اصطلاح در شعر فارسی شکل گرفت که در رأس آن استادان توانمند قلم چون خاقانی شیروانی و نظامی گنجوی قرار داشتند. سبک شعری جدیدی که آنها خلق کردند و در نقد ادبی نام سبکی آذربایجان را به خود اختصاص داد، با چنان هنر و تصویرگری بالایی متمایز بود که تأثیر انکارناپذیری در توسعه هر چه بیشتر شعر فارسی و ترکی داشت. نمایندگان این مکتب، علاوه بر نظامی و خاقانی، کل کهکشانی از شاعران برجسته آذربایجانی بودند - مهستی گنجوی، ابوالعلاء گنجوی، فلکی شیروانی، مجیرالدین بیلقانی، قوامی مطریزی و دیگران که این سبک به دلیل قومیت خاصی بود. عوامل جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی- فرهنگی عصر بوده و ویژگی های خاص خود را فقط در ذات خود داشته است. شعر نمایندگان این مکتب با شعرهای فارسی زبان قبلی تفاوت چشمگیری داشت. این هم در تنوع مضمونی و هم در هنر بالای زبان شعر بیان شد. مدیحه سرایی جای خود را به غزلیات غنایی ظریف داد. مهارت هنری شعر خلق شده افزایش یافت، تجسم ها، مقایسه ها و استعاره ها بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. اما ورود طعنه به شعر، تصاویر غیر قابل درک، اطلاعات مختلف و

تفاسیر وام گرفته شده از دانش علمی آن عصر، درک آن را دشوار می کرد. شاعران شروع به استفاده از کلمات و اصطلاحاتی کردند که معنای هنری جدیدی دارند. به منظور افزایش زیبایی بیت، از وسایل بیان هنری بیشتر استفاده می شود.

قافیه ها و همخوانی های دشوار شعری، لغات و اصطلاحات عربی، ترکی، ترجمه عبارات اصطلاحی ترکی، اصطلاحات و مفاهیم علمی بیشتر مورد استفاده قرار گرفتند. برای درک این شعر، آموزش عمیق و دانش علمی خاص، از ویژگی های آن دوران، ضروری بود. اغلب کلمات نه به صورت مستقیم، بلکه به معنای مجازی استفاده می شدند و معنای علمی، فلسفی و استعاری به دست می آوردند. همه اینها پدیده ای منحصر به فرد در تاریخ ادبیات فارسی زبان بود. شاعران قطعاً تحت تأثیر محیط زبانی که در آن زندگی می کردند - زبان ترکی - بودند. از این رو، فراوانی واژه های ترکی در زبان این شاعران، استفاده از نقوش فولکلور، تصاویر، صحنه های همخوان است. یکی دیگر از ویژگی های سبک آذربایجانی در شعر فارسی زبان، کسب معانی عینی و واقعی توسط محتوای فکری و خیالی بود. این سبک همچنین با علاقه زیاد به دنیای درونی یک شخص، استفاده از قافیه های دشوار، شادی و موزیکال بودن شعر مشخص می شد. همه اینها در همان زمان سبک را غنی کرد و به آن عظمت بخشید.

پیدایش سبک آذربایجانی در ادبیات فارسی زبان قرن دوازدهم حاصل سکونت شاعرانی است که این سبک را در یک محیط جغرافیایی و فرهنگی واحد، فضای سیاسی اجتماعی مشترک به کار می بردند. با این حال، با وجود اشتراک سبک، آثار این شاعران البته دارای ویژگی‌های فردی نیز بود که با توجه به جهان بینی خاص، جهان معنوی، ویژگی‌های شخصی و استعداد شاعری نویسنده تعیین می‌شد.^۱

باید اضافه کرد که موضوع سبک های مختلف شعری در ادبیات فارسی زبان اولین بار در خود ایران در اواخر قرن نوزدهم توسط ملک الشعرا بهار شاعر معروف ایرانی در کتاب «سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی» مطرح شد. نویسنده برای اولین بار در شعر فارسی از سبک خراسانی، عراقی و هندی بحث می کند می کند و سبک آذربایجانی (سبک آذربایجانی) را در چارچوب سبک شعری عراقی می داند. طبقه بندی مشابهی متعاقباً در ادبیات علمی به تصویب رسید. چندین مقاله از نویسندگانی چون سیروس شمیسا، مختار ابراهیمی، سعید نفیسی، محمد غلامرضا و دیگران به سبک آذربایجانی در شعر فارسی زبان اختصاص داشت.^۲

^۱ Mətləbi A.B. Farsdilli poeziyada Azərbaycan üslubu (təşəkkül, təkamül və ədəbi təsir məsələləri). Aftoreferat. Bakı, 2012.

^۲ Mətləbi A.B. Farsdilli poeziyada Azərbaycan üslubu (təşəkkül, təkamül və ədəbi təsir məsələləri). Dissertasiya. Bakı, 2012, səh. 6.

نتیجه

در پایان مطالعه کوتاه خود به این نکته اشاره می‌کنم: اثر عظیم، منحصر به فرد، جامع و چندوجهی نظامی گنجوی، علیرغم برخی عناصر سنت‌گرایی، عمیقاً فردی است که از طریق آن، شخصیت درخشان شاعر ترسیم شده است. ی. ا. برتلس با اصرار نوشته است: «نظامی سنتی را که زبان حماسه را به بند کشیده بود شکست، آن را احیا و غنی کرد و در یک کلام آن را به مدرنیته نزدیک کرد. اما بالاخره از این مرحله، گام منطقی بعدی می‌توانست یک باشد - در صورت لزوم، خودداری از زبان فارسی به عنوان تنها وسیله ارتباطی. من معتقدم اگرچه هنوز آثار نظامی را به زبان دیگری جز فارسی نداریم، اما او بود که زمینه را برای خودداری این زبان فراهم کرد.»^۱

این سطرها هویت ملی شاعر را کاملاً نشان می‌دهد که در سخت‌ترین شرایط تاریک‌گرایی قرون وسطایی، توانست قانون غالب شعری را بشکند، به آثارش شخصیتی برجسته ترک‌محور بدهد و راه را برای توسعه و شکوفایی آینده شعر ترکی زبان مادری او هموار کند.

^۱ Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество, стр. 143.

فهرست منابع

به زبان آذربایجانی

1. Araslı H. «Azərbaycan ədəbiyyatı: tarixi və problemləri». Bakı, 1985.
2. Araslı N. Nizami və türk ədəbiyyatı. Bakı, 1980.
3. Azadə R. Nizami Gəncəvi (həyat və sənəti). Bakı, 1979.
4. Azadə R. Nizami və onun poeziya sələfləri. Bakı, 1999.
5. Azadə R. Azərbaycan epik şeirinin inkişaf yolları. Bakı, 1975.
6. Ağayev Ə. Nizami və dünya ədəbiyyatı. Bakı, 1964.
7. Əlizadə L. Nizami Gəncəvinin milli mənsubiyyətinə dair bəzi qeydlər. «Elm» qəzeti, 26.II.2021 və 5.III.2021.
8. Xəlili X. Azərbaycan türklərinin etnogenezi və milli inkişaf tarixi. Bakı, 2007.
9. Qeybullayev Q. Azərbaycan türklərinin təşəkkülü tarixindən. Bakı, 1994.
10. Mətləbi A.B. Farsdilli poeziyada Azərbaycan üslubu (təşəkkül, təkamül və ədəbi təsir məsələləri). Aftoreferat, Bakı, 2012.

11. Mətləbi A.B. Farsdilli poeziyada Azərbaycan üslubu (təşəkkül, təkamül və ədəbi təsir məsələləri). Dissertasiya, Bakı, 2012.
12. Nizami Gəncəvi. Lirikası. Bakı, 2004.
13. Nizami Gəncəvi. Sirlər xəzinəsi. Bakı, 2004.
14. Nizami Gəncəvi. Leyli və Məcnun. Bakı, 2004.
15. Nizami Gəncəvi. Xosrov və Şirin. Bakı, 2004.
16. Nizami Gəncəvi. Yeddi gözəl. Bakı, 2004.
17. Nizami Gəncəvi. İsgəndərnamə. Şərəfnamə. Bakı, 2004.
18. Nizami Gəncəvi. İsgəndərnamə. İqbalnamə. Bakı, 2004.
19. Rəsulzadə M.Ə. Azərbaycan şairi Nizami. Bakı, 1991.
20. Siracoğlu R. Gəmi səni də suya qər qədər və ya mister Edmund Herziqə cavab.
www.azpolitika.info. 25.IX.20
21. Togan Z.V. Azərbaycan. Bakı, 2007.

به زبان روسی

1. Араслы Н. Низами Гянджеви и турецкая литература. Баку, 2021.
2. Амиров Э. Мыслитель, затменный славой поэта. О научном мировоззрении Низами Гянджеви. Баку, 2021.
3. Бартольд В.В. Могила поэта Низами. Сочинения, I-II часть. Москва, 1963.

4. Багиров А. Присвоение и отторжение культурного и исторического наследия Азербайджана иранским и армянским правительствами на примере великого азербайджанского поэта Низами Гянджеви. Апрель-май, 2006. www.azerbaijan.com/Nizami_Ganjavi.html
5. Бертельс Е.Э. Великий азербайджанский поэт Низами. Эпоха-жизнь-творчество. Баку, 1940.
6. Бертельс Е.Э. Низами и Фузули. – Избранные труды. Москва, 1962.
7. Буниятов З.М. Азербайджан в VII-IX веках. – Избранные сочинения в трёх томах. том I, Баку, 1999.
8. Буниятов З.М. Государство Атабеков Азербайджана. - Избранные сочинения в трёх томах. том II, Баку, 1999.
9. Брагинский И.С. «И.В.Гёте. Западно-восточный диван». Статья в серии «Литературные памятники», 1988.
10. Гаджиев А. Ренессанс и поэзия Низами Гянджеви. Баку, 1980.
11. Доказательства азербайджанской принадлежности поэта Низами-армянам на заметку. www.day.az, 8.I.2021.
12. Крымский А.Е. Низами и его современники. Баку, 1981.
13. Марр Ю.Н. Собрание сочинений, Москва, 1939, том II.

14. Маковельский А.О. Азербайджанское общество XII века по произведениям Низами. «Низами» - Материалы научной конференции, посвященной жизни и творчеству поэта. 3-6 июня 1947 г., Баку, 1947.
15. Мамедов Дж.М. О некоторых спорных вопросах относительно Родины и национальности Низами Гянджеви. - Вестник СПбГУ. Сер. 13, 2010, вып 1.
16. Мехтиев Р.Э. Низами Гянджеви. Наследие мыслителя в контексте мировой культуры и национального самосознания. Баку, 2021.
17. Низами Гянджеви. Краткий справочник. Баку, 1979.
18. Низами Гянджеви. Собрание сочинений в 5-ти томах. Москва, 1985-86 гг.
19. Шагинян М.С. Этюды о Низами, 1947-1956. Баку, 1981.

به زبان فارسی

۱. نظامی گنجوی. مخزن الاسرار. متن علمی و انتقادی به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علیزاده. باکو، ۱۹۶۰.
۲. نظامی گنجوی. خسرو و شیرین. ترتیب دهنده متن علمی و انتقادی له و الکساندر ویچ خه تاقوروف. باکو، ۱۹۶۰، ص.

۳. لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه ای. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران، ۱۳۷۶
۴. هفت پیکر نظامی گنجوی. متن علمی و انتقادی. به تصحیح دکتر برات زنجانی. تهران، ۱۳۸۰
۵. حکیم نظامی گنجوی. شرفنامه. به تصحیح استاد وحید دستگردی. تهران، ۱۳۳۰
۶. دیوان قصائد و غزلیات نظامی گنجوی. به کوشش استاد سعید نفیسی. تهران، ۱۳۶۲
۷. جواد هئیت. در باره واژه ها، مفاهیم و امثال ترکی در آثار حکیم نظامی. - مجله وارلیق، شماره ۱۴۲، پائیز ۱۳۸۵
۸. رستم علی یف. نظامی ده تورکلوک. - وارلیق درگیسی، سایه ۱، ایل ۱۹۹۱

به زبان عربی

۱. عبد النعیم محمد الحسنین. نظامی الکنجوی: شاعر الفظیلة. عصره، بینته و شعره. القاهرة، ۲۰۱۵
۲. کتاب الاغانی تألیف ابي الفرج الأصفهانی. الجزء الاول - الجزء الرابع و العشرون. بیروت - لبنان، ۱۹۹۴

Kompüter t rtib isi:
B dii t rtibat:

R na Seyid-Rzayeva
 alal  M mm d

Formatı 60x84 ¹/₁₆
Sifariş: 12
Tirajı 200

Kitab Rumpel MMC tərəfindən hazır
diapozitivlərdən istifadə olunmaqla
çap edilmişdir.

Ünvan: Bakı şəh., Azadlıq pr., 139

